

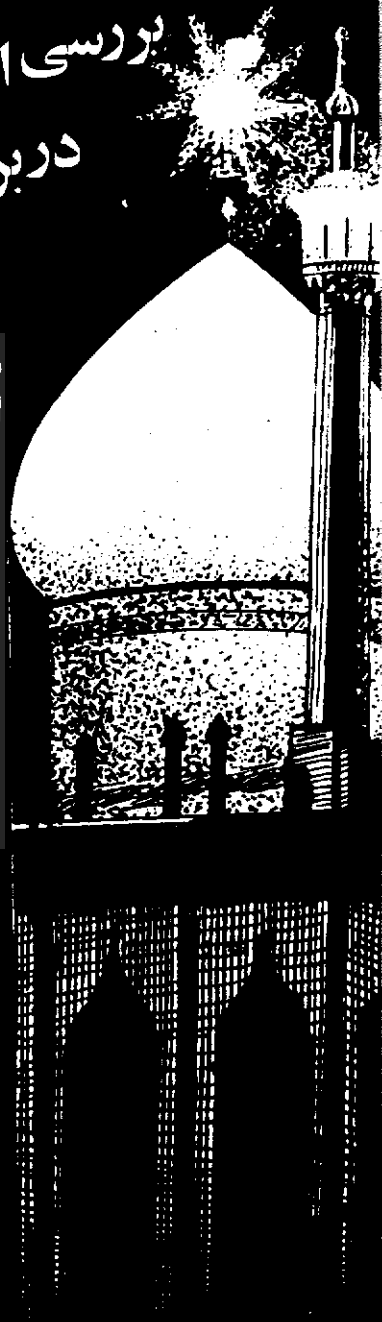
# بررسی امکانات مادی و معنوی مسلمانها در برابر برقراری آنها و جهانخواران


قبل از بررسی مساله بالا، لازمست نقش اساسی جهان خواران را و شرکت های چند ملیتی و مخصوصا امریکا را در جهان سوء و مسالک اسلامی و بخصوص ایران، اجمالا مورد بررسی قرار دهیم:

استعمار سالیان دراز است که با استفاده امکانات صنعتی و علمی خود، نقشه های پیچیده و عریض و طویلی طراحی کرده است تا لااقل هر دراز مدت با مال و آرزوهای شیطانی خود بر سرمدخاخر و منابع زیرزمینی و روزمینی کشورهای مستضعف جهان را غارت کرده، و هویت اسلامی و فرهنگ و استعداد های آماده را ضایع نموده از بین ببرد.

ولکن قیام و مقاومت اعجاب آمیز ملت ایران بر رهبری امام خمینی از سال ۱۳۴۱ بعد در برابر استعمار مخصوصا امریکا، تمام جهانیان را در بهت و حیرت فرو برده است و با اشغال لایه جاسوسی امریکا و گروگان گیری جاسوسان، باوج خود رسیده است.

برای شکستن این مقاومت دلیرانه ملت ایران، دول غربی از جمله امریکا، راه های مختلفی از قبیل دخالت نظامی و محاصره اقتصادی و بکار گرفتن عوامل سرسپرده داخلی در شکل ها و چهره های گوناگون می توانند داشته باشد.





# با این همه امکانات مسلمانان جهان می‌توانند بصورت بزرگ در صحنه بین‌المللی ظاهر شوند

خود آنها خوب می‌دانند که دخالت نظامی در شرایط فعلی جهان تا به یک وضع بحرانی حادث نشود تاثیر چندانی ندارد مگر اینکه بتوانند افکار عمومی جهان را برای دخالت نظامی از هر جهت آماده کنند - چنانکه مقامات مسنول بین‌المللی مثل «کورت والدهایم» دبیرکل سازمان ملل متحد و غیران در موارد متعددی بان تصریح نموده‌اند. زیرا ضررویی آمده‌های ناگواری در افکار دنیا بدنبال دارد و صلح جهان را بخطر می‌اندازد و احتمال درگیری در سطح بین‌المللی وجود دارد و لااقل عکس العمل ملت‌های مسلمان در - سراسر جهان را در بر دارد که احتمالاً جریان نفت را به سوی غرب با مشکلاتی روبرو می‌سازد.

و اما تحریم اقتصادی تا حدودی برنامه ریزی برای آن شده، و هم اکنون نیز برخی از آنها انجام گرفته است، و لکن تحریم اقتصادی، هنگامی موثر است که سایر دولتهای غربی و شرقی که امکانات وسیع اقتصادی و مواد اولیه صنعتی در اختیار دارند هم دست با امپریالیسم امریکاباشند و شرکت فعالانه داشته باشند و چنین بنظر میرسد که این نقشه نیز، شکست خورده است، و در شوزای امنیت تصویب نشد، و اکثر ملت‌های دنیا و دولتها با این محاصره موافق

# با کم کردن مصرف مواد غذایی دست چپا و لگر و خوانخوار آمریکار از سر زمین ایران کوتاه کنیم

برخورداری و استفاده از آن، تجدیدنظر کرده و به بازسازی آنها به پردازند  
و در این میان آنچه زمینه اصل بازسازی بشمار میرود خودسازی انقلابی انسانهای مستضعف در هر نقطه جهان می باشد یعنی در خود، نیروی مقاومت و قدرت خروش و خشم در مقابل پیدادگران را پدید آورند و آمادگی روحی و اندیشه ای برای این قیام و فریاد و بدنبال آن به بررسی امکانات مادی و معنوی - خویش بپردازند.

و بطور خلاصه خود را از هر جهت چه از نظر روحی و فکری و چه از نظر امکانات مادی و معنوی و - اجتماعی ببینند و بقول امام «این را بدانند که چیزی هستند و شخصیتی دارند و میتوانند روی پای خود بایستند» و تا این روحیه در شرق و بطور کلی در ملل مستضعف جهان پیدا نشود محال است بتوانند بنحو احسن مطابق نقشه و حساب از امکانات موجود برای مقابله با استعمارگران و غارتگران بین المللی قیام مؤثری داشته باشند.



- امکانات شرق در برابر غرب  
امکانات شرق مخصوصا ممالک اسلامی  
در برابر توطئه های غرب بقرار زیر است:
- ۱- احیاء ایدئولوژی و فرهنگ مکتبی.
  - ۲- امکانات مادی از قبیل نفت - مس و طلا و سایر ذخایر زیرزمینی.
  - ۳- احیاء کشاورزی سنتی و صنایع بومی محلی.

- ۴- کم کردن از مصرف مواد وارداتی و تحریم آنها.
- ۵- همکاری همه ممالک شرق بخصوص ممالک اسلامی در رفع نیازمندیهای اقتصادی

نیستند، و انگهی ملت قهرمان و مسلمان ایران، آمادگی تحمل این محاصره اقتصادی را کاملا دارد، و علاوه بر این، ایران می تواند از سایر ممالک بیطرف که اعلام آمادگی برای تامین مواد مورد نیاز ایران از لحاظ مواد غذایی آن را کرده اند این کمبود را - جبران نماید و چرخهای اقتصادی و تولید داخلی را بکار اندازد و جریان طبیعی خود را باز یابد.

ولی آنچه از نظر انقلاب اسلامی و تداوم آن بسیار قابل توجه است خراب کاری و توطئه های - منافقان و عوامل و نوکران و سرسپردگان داخلی امپریالیسم شرق و غرب به خصوص امریکا می باشد که از هر گوشه ای مثل مار سرخود را از بیغوله ها بیرون آورده اند و دامن اخلال می کنند و در شبکه ارتباطات - مردمی و اداری نفوذ کرده و در سنگر ارگانهای انقلابی و کمیته ها و مطبوعات بنحو مرموزی جا کرده اند و ولی خوشبختانه اکثریت آگاه و بیدار نیز بان پی برده اند.

نظیر این نقشه های خطرناک و ترازوی پیچیده که در بالا بان اشاره کردیم و در تمام ممالک اسلامی کم و بیش وجود دارد البته هر چه منافع سودجویان در هر کشوری بیشتر باشد، بهمان اندازه نیز نقشه، دقیق تر و اجرای آن شدیدتر و بی رحمانه تر است.

حال، این سوال مطرح می شود که با این هجوم و حشیانه فرهنگی - اقتصادی ابرقدرتها چگونه باید بمقابله برخاست و خود را از خطر رهانید؟

اولین مساله ای که در این مقابله مطرح می شود، اینست که ملل شرق باید بخویشتن خویش بازگردند و در امکانات مادی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی خود و مقدار و کیفیت ونحوه

و صنعتی و اجتماعی و فرهنگی یکدیگر.

جنبه های معنوی انقلاب اسلامی

انقلاب ما در بین همه انقلابات موجود جهان بطور تحقیق کاملاً بی نظیر بوده است و دارای ویژگی هائی است زیرا انقلابی است اصیل و مردمی که دگرگونی در آن بنیانی است و بر اساس مکتب اصیل اسلام انجام گرفته است بدون گرایش و وابستگی به شرق و غرب.

این انقلاب، کودتای نظامی نیست که در آن جمعی از ارتشیان و ژنرالها در یک فرصت حساب شده با کودتا زمام قدرت را بدست گرفته باشند و آن گاه که بروضاع مسلط شدند ایدئولوژی خاص خود را که از قبل، داشتند و یا پس از پیروزی ساخته اند مطرح کنند و بر مردم تحمیل نمایند. چنانکه واضح است که انقلاب مکتبی اسلام از قبیل تسلط یک حزب دارای ایدئولوژی انقلابی نیست که از حیث تعداد ناچیز هستند اما دارای تاکتیک و در پی فرصت مناسب است که تدریجاً تدریجاً مسلح شوند و آنگاه در قیافه انقلابی بدون سلاح ولی در باطن تا دندان مسلح بپراکثرت بدون تاکتیک مسلط شود و چنان وانمود کند که بظاهر با میل و رغبت، ایدئولوژی حزب را پذیرفته اند چنانکه در انقلاب اکبر روسیه و در کلیه رژیمهای کمونیستی سوسیالیستی عمل شده است و حتی از قبیل انقلاب مردم الجزایر و هند و سایر کشورهای استعمار زده نیست که صرفاً برای آزادی و استقلال کشور خود قیام کردند و اشغالگران را بیرون راندند گرچه انقلاب قابل تقدیس بشما می روند گویانکه شباهت ها و جوه مشترکی با هریک از آنها دارد بخصوص با انقلاب کبیر فرانسه و سایر انقلاب های استقلال طلبانه ملل

استعمار زده و لکن در انقلاب ما، ویژه گی هائی وجود دارد که ماهیت انقلاب ما را از دیگر انقلابات مشخص می سازد زیرا این انقلاب، یک انقلاب یک بعدی یعنی صرفاً نظامی و یا اقتصادی و یا سیاسی و یا ملی و یا مذهبی و فرهنگی نیست بلکه همه این ابعاد را در درون خود دارد.

امکانات مادی

ممالک غارت گر غرب و ابرقدرتها قرنها است که منافع پر ارزش زیرزمینی ممالک اسلامی را به یغما و تاراج می برند ولی متأسفانه اکثر آنان از این غارت گیری بتفصیل آگاه نیستند و یا قدرت جلوگیری از آن را ندارند و اگر کسی جرأت می کرد و جان برکف می نهاد و با آنان به مقابله بر می خاست و اعتراض می کرد و فریاد بر می آورد با شدت هر چه تمام تر او را می کوبیدند و در سیاه چالها زندانی اش می کردند و یا او را به جوخه اعدام می سپردند و بطور کلی جوی از اختناق ایجاد می کردند که آزادی خواهان جرأت ابراز عقیده را نداشتند چنانکه در ایران خودمان نیز جریان چنین بود.

بطوریکه در سایه اختناق، منابع و ذخائر ما را به یغما بردند چنانکه بموجب آمار رسمی خود شرکت ملی نفت ایران روزانه متجاوز از ۶ میلیون بشکه نفت استخراج می کردند. تا بدینوسیله جیب سرمایه داران خارجی و امریکای جنایتکار را پر کنند و دردناک تر اینکه در بهای نفت غارت شده نیز میلیاردها دلار اسلحه بایران تحویل می دادند تا با این سلاح های مخوف و پیچیده، ایران را ژاندارم خلیج برای خودشان بنمایند و حافظ منافع ابرقدرتها در منطقه باشد و لطفاً ورق برزید

پیش آوردند که استخراج مس در وضع موجود نه تنها سودی برای ایران نداشت بلکه ضرر نیز داشت (مجله اقتصادی اکونومیست).

و بقول امام هنگام ملاقات با دانشجویان پیرو خط امام در مورخه ۵۸/۱۰/۲۴: «اینها (غارتگران بین‌المللی مخصوصاً آمریکا) در طول تاریخی که به شرق راه پیدا کردند مطالعه و کارشناسهایشان را به شرق فرستادند و وجب به وجب این مملکت را گردش کردند حتی با شتر می رفتند و این بیابانها را زیر پا می نهادند و هر جایی که یک چیزی پیدا می شد یادداشت می کردند، نقشه برداری کردند و از این سری، کارشان بود تا بفهمند کشور شما چه دارد و مخارن شما چیست؟...» (۱)

البته مساله پردامنه است و نیاز به تفصیل و آمار دارد که فعلا از حوصله این بحث کوتاه خارج است.

\*\*\*

انان بتوانند با خیال راحت، نفتکش های غول پیکر را از منطقه عبور دهند و مطابق نقل منابع موثق شرکت ملی نفت ایران، شرکت‌های غارت گر آمریکا و اروپا روزانه بیش از ۶ میلیون بشکه نفت می بردند و بحسب ظاهر، مقدار کم قلمداد می کردند و شما می بینید که استخراج نفت اکنون بمرز ۳ میلیون بشکه نصف مقدار استخراجی رسمی در زمان طاغوت کاملاً کافی بتمام مخارج و بودجه سنگین را نه تنها می دهد بلکه مطابق اظهارات وزیر نفت در مورخه ۵۸/۱۰/۲۴ فروش نفت بصورت خام بتدریج موقوف می گردد و آنرا بصورت مواد پتروشیمی بقیمت خیلی زیادتر از نفت خام می توان بفروش رسانید.

غارت گری آنان منحصر به نفت نبود بلکه سایر منابع زیرزمینی مثل مس سرچشمه، سرب و فسفر و... را با قیمت بسیار ارزان بفارت می برند حتی در استخراج مس سرچشمه کرمان، بقدری اشکال تراشی کردند و وضع را طوری

## سرمایه داران و جنایتکاران آمریکا در سایه انجمن حقوق سالهای طولانی منابع و ذخایر ما را بی‌معمال بردند...

در حقیقت خون حیاتی آنان از ممالک مستضعف و ستم کشیده جهان تامین می شود. طبق اعتراف وزیر نفت عربستان سعودی (زکی یمانی) در جلسه اوپک متجاوز از ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام صادر می گردد و لکن بظن قوی واقعیت غیر از این است چنانکه نمایندگان مجاهد و رزمنده ملت جزیره عربستان در گردهمایی جنبش های آزادی بخش که در مورخه

تاراج ممالک غرب منحصر بایران نیست بلکه منابع زیرزمینی سایر ممالک هم جوار ایران مثل عربستان سعودی و کویت و عراق و افغانستان و ترکیه و حتی ممالک آمریکای لاتین و قاره آفریقا و... را نیز دربر می گیرد. مطابق آمار موجود متجاوز از ۶۰ درصد نفت و انرژی مورد نیاز غرب از ممالک خاورمیانه و ممالک اسلامی بدست می آید که

۵۸/۱۰/۱۸ در تهران منعقد گردیده است صریحا اعتراف کردند که متجاوز از ۱۴ میلیون بشکه نفت خام یعنی طلای سیاه مردم ضعیف و فقیر و مستضعف عربستان سعودی توسط عمال سرسپرده آل سعود تحویل خارجی ها داده می شود تا بتوانند شاهزادگان سعودی چند صباحی بیشتر بر مردم ستمدیده آن سامان، حکومت کنند و بعیش و نوش در کاپاره های اروپا و آمریکا بپردازند. تاسف انگیزتر اینکه بهای نفت استخراجی را که به میزان سرسام آوری می رسد در بانگ های امریکائی ذخیره کرده اند که امریکائیان از این پول ها استفاده می کنند و یا بصورت اسلحه پیچیده و مخوف در اختیارشان می گذارند تا بتوانند مثلا مبارزان مجاهدی را که از ترس عمال آل سعود خانن بداخل حرم در ایام عاشورای گذشته پناه بردند در کمال قساوت و بی رحمی در داخل حرم خدا بعنوان کافر و محارب، قتل عام کنند تا منافع سرشار خود را در منطقه بنحو احسن حفظ کنند و در حالیکه فروش ۱/۵ بشکه نفت خام به تنهایی می تواند زندگی در حدود ۷ میلیون مسلمان منطقه جزیره العرب را کاملا کفایت کند گو اینکه سالیان سال با وجود ذخائر سرسام آور دلار در بانک های امریکائی نیاز چندانی بفروش نفت ندارند.

نظیر همین وضع اسفناک در کویت و عراق و.... وجود دارد. عمال بعثی عراق و عامل صهیونیسم در منطقه با فروش ذخائر نفت مردم ستمدیده خود، تنها اسلحه می خرد و با این اسلحه و بدستور اربابان صهیونیست و سیای امریکا و انگلیس دخالت مستقیم در امور داخلی ایران می کند و در کردستان و خوزستان غائله می آفریند و بچاسوسی می پردازد و اسلحه و افسران خود فروخته را داخل آن مناطق می نماید تا بتواند با ضربه زدن بانقلاب اسلامی ایران مجری اوامر غارت گران بین المللی باشد و از قیام و خروش ملت مسلمان عراق جلوگیری بعمل آورد. لاهد خوانندگان در مطبوعات و جراید کشور موارد

مستند دخالت همال مزدور بعثی را در مناطق یاد شده خواننده اند نیازی بذکر آن ها در اینجا نیست. سادات نیز آشکارا خود را فروخته و در اختیار غارتگران جهان خوار و عوامل صهیونیست بین المللی و دولت غاصب اسرائیل قرار داده است و با آنان هم دست شده و در ریختن خون مسلمانان در لبنان و ادامه اشغال سرزمین های اسلامی سوریه و لبنان و اردن نقش مهمی ایفا می کند.

در تایید گفتار بالا کافی است که بدانید مصر طبق موافقتنامه ای بین مصر و اسرائیل، نفت های چاه صحرای سینا را بقیمت ارزان در اختیار اسرائیل می گذارد تا تانک و هواپیماهای اسرائیل سوخت کافی داشته باشند؛ و این جنایت بزرگی است به ملت خود و سایر ملت های مسلمان هم جوار اسرائیل؟

حال قضایات را بخوانندگان عزیز واگذار می کنیم که چه امکانات عالی و وسیع در اختیار ملت های اسلامی است که بتوانند در مقابل جنایت های آشکار دول غرب و تاراج گران، بپاخیزند و با این حربۀ محکم و قاطع و مؤثر بمبارزه بستمکاران و ابرقدرتها و صهیونیست ها بنازند. احیاء کشاورزی و صنایع بومی و محلی یکی از امکانات مهم درونی که اکثر ممالک شرق بمشابه برگ برنده ای در مقابل توطئه های خارجی در اختیار دارند احیاء کشاورزی سنتی و ایجاد خودکفائی در مسائل مربوط بمواد غذایی و صنایع بومی محلی است. ولکن استعمار سالیان درازی است بعنوانین مختلف با شیوه های گوناگون از این کار جلوگیری کرده است و آنرا به نابودی کشانده است.

ایران مگر در دوران حکومت مصدق علاوه بر خودکفائی از حیث مواد غذایی مقداری نیز به خارج صادر نمی کرد؟ چه شد که این برگ برنده

# در راه ایجاد وحدت و همبستگی اسلامی



مرحله تحقق و اجرای ملل اسلامی در این  
تبادل نظر و مبادله فرهنگ و اتخاذ  
تصمیم، نه تنها در شرائط کنونی دوران  
سازندگی کشورهای اسلامی در ارتباط با  
ایجاد بلوک «امت واحده» ضرورت اولیه را  
دارد بلکه روی حساسیت خاص زمان تنها  
وسيله ایست که می تواند از خونریزیها و  
تباهاکاریها به هدر رفتن نیروهای سازنده و  
از برخوردها و تصادم توده ها جلوگیری نماید  
و نیروهای فعال را به راههای مثبت و سازنده  
راهگشا باشد و عوامل وحدت و برادری و  
صفا و صمیمیت و تشکل نیروهای عظیم ملل  
اسلامی را که تقریباً یک چهارم آحاد جهان  
بشریت را تشکیل میدهند، فراهم سازد.

در آستانه هجرت پانزدهم هجری که ملل  
اسلامی در راه استقلال و عظمت و در  
راه نوسازی و تجدید مجدد دیرینه دیرینه  
خود گام برمیدارند و در جوانان و نسلهای  
کنونی روح توجه به خویشتن و اصالت  
فرهنگ و تمدن و تاریخ بیدار شده است و  
یک نوع رنسانس علمی، اجتماعی، سیاسی  
در تمام نقاط کشورهای اسلامی به چشم  
میخورد، بسیار شایسته و بجا است که مسائل  
مورد اختلاف و حل نشده از راه صفا و  
صمیمیت و از راه مذاکره و بحث آزاد بدون  
جهت گیری خاص نژادی، منطقه ای، عرفی  
مورد گفتگو قرار گیرد و نتایج بحث و مذاکره  
بدون کوچکترین تعصب و حساسیت ویژه به



کشور اسلامی و انقلابی ایران که به موجب اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خود را جزء «امت واحده» دانسته و خود را در مشکلات و حوادث و پیش آمدهای دیگر ملل اسلامی شریک و سهیم میداند، می تواند در این زمینه نقش مؤثر و سازنده و عنوان پیشگام و پیشاهنگ را داشته باشد.

.... در ارتباط با امر اسلامی اتحاد، مسائل متعدد و مشکلات قابل طرح گوناگونی وجود دارد که اکنون با اغتنام فرصت به مناسبت آغاز انتشار سال بیستم مجله مکتب اسلام دو پیشنهاد در زمینه تاریخ به معرض افکار دانشمندان و متفکرین و دلسوزان واقعی اجتماع اسلامی نهاده میشود که یکی جنبه عمومی و همگانی و دیگری جنبه خصوصی گروهی دارد آغاز مسئله از نقطه نظر تاریخ، از آن دیدگاه است که رویدادهای تاریخی: همانند هجرت، بعثت، رحلت آغاز تحول و دگرگونی در اسلام واقع گردیده و منشأ دگرگونیها گردیده است اینک آن دو پیشنهاد قابل توجه و عنایت:

۱- بمناسبت رحلت و بعثت و ولادت پیامبر عالیقدر اسلام در تمام کشورهای اسلامی مجالسی به عنوان تجلیل و تقدیر منعقد می گردد که: اگر بصورت متحدالجمال و همگانی و عمومی و بین ملل اسلامی باشد می تواند تکان دهنده و حرکت آفرین و مبداء تحولات مفیدی باشد ولی جای آسف است که تاریخ برگزاری آن در تمام کشورهای اسلامی یکسان در روز معین برگزار نمی شود در برخی از کشورها روز ۱۲ ربیع و در برخی ۱۷ ربیع و همچنین بعثت و رحلت.... در صورتی که یقین است ولادت یا رحلت پیامبر عالیقدر اسلام (ص) در بیش از یک روز واقع نشده است و به صورت تکراری و در دو روز نبوده است اختلاف و اشتباه تنها

از خود تاریخ است که با بررسی کافی و حسن نیت برطرف می شود و دو راه بیشتر وجود ندارد یکی آنکه تواریخ اسلامی بررسی کامل شود و صحیح ترین و کامل ترین آنها برگزیده شده و پس از تصویب کنفرانس عالی دانشمندان اسلامی به مرحله عمل و اجرا گذارده شود و هیچ یک از کشورهای اسلامی حق تخلف نداشته باشد.

راه دوم آنست که در یک مجمع عالی اسلامی که مرکب از دانشمندان و سیاستمداران و - حقوقدانان اسلامی است تاریخ واحدی در روز معین از میان تواریخ موجود برگزیده شود و مناسبترین و طبیعی ترین روز انتخاب گردد تا از این پراکندگی که با وجود این امواج قدرتمند رادیو و تلویزیون و با وجود اینهمه فرستنده های گروهی و بین المللی، اعلام دو روز ولادت، هجرت شهادت، در رادیوها و رساننده های گروهی ملل اسلامی، حقیقتاً مایه تاسف و نگرانی و عامل تشتت و پراکندگی و باعث شادی و خوشحالی دشمنان و بدخواهان عظمت ملل اسلامی بوده است

۲- تاریخ واحد به مناسبت ایام شهادت و رحلت در ایران:

پیشنهاد دیگری که در رابطه با اتحاد و وحدت کلمه ی مسلمانان ایران و دیگر بیروان و دوستان اهل بیت (ع) مطرح بوده و در راه برخورداری از امکانات و نیروهای اسلامی ملت مسلمان ایران قابل طرح است یکسان نمودن و اعلام تاریخ واحد نسبت به ایام، شهادت، ولادت پیشوایان معصوم (ع) و ابرمردان مذهبی و ایمانی می باشد.

با توجه به اصل گذشته که در مورد تاریخ زندگی و هجرت و رحلت رسول اکرم (ص) گذشت که ولادت و شهادت و هجرت در بیش از یک روز نبوده است در این مورد لطفاً ورق بزنید



## کم کاری، بیکاری، و تعطیل های پی در پی جزوابستگی و پیوستگی و وازدگی از فعالیت محصول دیگری ندارد

کشور اعلام دو روز تعطیل به مناسبت یک حادثه تاریخی نه تنها لطفی ندارد بلکه تضييع حق و يك نوع تخلف از آرمانها و خواسته های اهل بيت عصمت و طهارت می باشد که هدف اصلی و آرمان حقیقی آنان مجدد و عظمت اسلام و سربلندی کشورهای اسلامی و پیشرفت و سرفرازی پیروان و دوستداران آن رهبران عالیقدر می باشد و تامین آن - خواسته ها جز به برکت کار و کوشش و فعالیت و تحرک هیچ نوع صورت عمل ندارد.....

ملت مسلمان ایران در این برهه از سازندگی و تحرک کشور تنها به برکت خداوند عالم و با تکیه زدن بر کار و کوشش و فعالیت خویشتن می تواند از چنگال استعمارگران نجات یابد - کم کاری، بیکاری و تعطیلهای پی در پی جز وابستگی و پیوستگی و وازدگی از فعالیت محصول دیگری ندارد و این آرمان پیشوایان معصوم (ع) با همت فضلا و دانشمندان و با عنایت دلسوزان واقعی قابل حل می باشد.

دعوت به اظهار نظر  
ما از عموم افراد پژوهشگر و محقق اعم از تاریخ دانان و حقوق نویسان و رهبران - فکری و علمی کشور دعوت می کنیم در مورد این دو پیشنهاد نظرات خود را اعلام دارند تا به تدریج در صفحات مجله منعکس گردد تا با برخورد افکار و اندیشه ها چهره های روشنگر در حیات اجتماعی و تاریخی ملت مسلمان جهان پدید آید که روشنائی جهان اسلام متحد و برادر گردد.

هم قطعی است که سالروز شهادت فاطمه زهرا (ع) یا امام سجاد (ع) یا ولادت امام باقر (ع) و دیگر پیشوایان معصوم (ع) (که معمولاً در دو روز با اختلاف برگزار می شود) بیش از یک روز معین نبوده است و این نقص تاریخ و ظرف زمان است که نتوانسته است درست و صحیح ضبط و یاد داشت نماید از اینرو قابل حل است که از سوی رهبر و مراجع عالیقدر تقلید یا از طرف حوزه علمیه یا از سوی وزارت ارشاد ملی یا از طرف دانشگاه یا مورخین محقق و بی نظر کشور با نظر و مسئولیت دولت کفرانسی به این عنوان برگزار شود مشروط بر آنکه نتیجه مطالعه و تحقیقات به صورت صحیح ترین تاریخ یا به صورت قراردادی لازم الاجرا مورد قبول و پذیرش قرار گیرد و به عنوان تاریخ واحد نسبت به رحلت و ولادت پیشوایان معصوم (ع) اعلام گردد و از ذکر تاریخ نامعتبر و به مرحله اجرا در آوردن آن قانوناً خودداری و جلوگیری گردد و این عمل دو فائده مهم در بر دارد که از هر نظر می تواند قابل توجه و عنایت باشد.

۱- شکوه و عظمت و تجلیل و تقدیر همگانی در یک روز معین به اتفاق آرا با شرکت عموم - علاقمندان از اهمیت و جلوه خاص برخوردار است و می تواند جلوه بهانه جویان و فرصت طلبان را بگیرد آنان که در راه فرار از مسئولیت وعده برگزاری را به تاریخ دوم حواله میدهند و راه - گریزی در پیش پا قرار میدهند.

۲- در این دوران سازندگی و فعالیت

روزنامه

# نقش الگوها در تربیت



دکتر  
احمد بهشتی  
آخرین قسمت  
پایگاه کودک  
در آموزش  
و پرورش اسلامی  
سمینار  
آموزش و پرورش  
اسلامی در شیراز

و محسوس در کار نباشد، ازاداء و وظیفه شانه خالی می کند. تکامل جامعه انسانی به این است که افراد در راه انجام وظیفه نه از سرزنش ملامت کنندگان بیم داشته باشد و نه از نبودن تشویق، و تطمیع ناراحت باشد.

هر کسی باید خودش مشوق خود و ملامتگر و تشویق کننده خود باشد، تنها در این صورت است که میتواند - حتی در جامعه ناصالح و ناسالم - به راه خود ادامه دهد و به قله پیروزی برسد البته جامعه نیز به نوبه خود وظیفه ای دارد که باید از تشویق خوبان و ملامت بدان، خودداری نکند. در این میان مربی شایسته کسی است که از یک طرف به طفل، روحیه مستقل میدهد و از طرف دیگر سعی میکند که جامعه را هم به وظیفه اش آگاه گرداند.

نقش الگوها

صرف نظر از اینکه هر کسی موظف است در محیط زندگی خود با زشتی ها، مبارزه و به

لطفا ورق بزنید

میان انسان و حیوان، همانطوری که از نظر تنبیه فرق است، از نظر تشویق هم فرق است. تشویق حیوانات محدود به تشویق های غذایی و گوارشی ... می شود ولی انسان هم تشویق مادی می شناسد و هم تشویق معنوی، هم بدنی و هم روحی، هم عاطفی هم عقلی.

مربی باید بداند که تشویق و ترغیب، یعنی ایجاد شوق و رغبت. اما ایجاد شوق و رغبت بسوی هدفی بهر حال باید در راه تقویت تشخیص، او را یاری کرد.

تشویق طفل، از راه تمجید و ستایش و جایزه و پاداش ممکن است، اینها باید خدی و مرزی معقول و حساب شده داشته باشند. مربی نمیتواند بیجا و نامعقول، ستایشگر و دهنده پاداش و مظهر تشویق باشد. چنین روشی در این کار موجب شکست، ناکامی است و طفل را به طمع می کشاند و علاوه بر اینها، ارزش حقیقی کار و خدمت و انجام وظیفه را از نظر او دور می سازد تا آنجا که اگر پاداشی نقد و عاجل و تشویقی فوری

# توصیه های تربیتی اسلام...

از الگوها را توسعه دهیم، باید از تاریخ نیز استمداد کنیم. بسیاری از چهره های درخشان والگوهای قهرمان که معرفی آنها - چه از طریق کتاب و چه از راه فیلم والگوهای موجود به کودکان، مربی صالح را از تنهایی و عزلت بیرون می کشد و او را در صنفی عظیم از زبدگان وشایستگان در دیدگاه کودک، آشکار می سازد. حتی آن کسانی که از جمیع جهات، الگو نیستند، میتوانند در همان قسمتی که دارای امتیاز هستند، الگو باشند و معرفی آنها به کودکان، از همین جهت مفید خواهد بود.

برنامه ریزی برای مراحل مختلف

باید توجه داشته باشیم که کودکی، تا جوانی مرحله ای دارد و در هر کدام از مراحل، برنامه خاصی میخورد. هر مرحله ای نسبت به مرحله پیش حالت فعلیت و نسبیت به مرحله بعد، حالت قوه و استمداد است به همین جهت است که امام ششم علیه السلام فرمود:

دع ابنک یعلب سبع سنین ویؤدب سبعا... (سفینه - البهار ماده ولد) بگذار تا فرزندت هفت سال آزادانه بازی کند و در هفت سال دیگر باید تربیت شود... و نیز فرمود:

الولد سید، سبع سنین وعبد سبع سنین ووزیر سبع سنین (مأخذ فوق) فرزند در هفت سال اول در حکم سرور و در هفت سال دوم در حکم بنده و خدمتگزار و در هفت سال سوم در حکم وزیر و مشاور پندران و مادران است. پیشوایان دینی با اینگونه راهنمایی ها، در حقیقت میخواهند، جزئیات و مصادیق یک قانون کلی را بیان کنند. آن قانون کلی عبارت است از اینکه: برای هر دوره ای از زندگی کودک

نهیکی ها سفارش کند - و به اصطلاح: امر به معروف و نهی از منکر کند - یک وظیفه عمده تر هم دارد و آن اینکه با رفتار و خلق و خوی خویش، در محیط اجتماع، یک الگو باشد. زیرا این الگوها هستند که میتوانند بیشترین و کاملترین تاثیر را در مردم داشته باشند. گفتار، نیاز به پشتوانه دارد، گفتاری که از پشتوانه کردار و پندار نیک، برخوردار نباشد، دودل شنونده، بی اثر است. به همین جهت امیر مومنان فرمود:

«من نصب نفسه للناس اما مافعله ان یبده تعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیه بسیرته قبل تأدیه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها حق بالا جلال من معلم الناس و مؤدبهم»

(وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۱۹) هر کس خود را الگو و پیشوای مردم قرار میدهد، باید قبل از آموزش دیگران به آموزش خود پردازد و بیش از آنکه به زبان آموزش دهد با سیرت و رفتار آموزش دهد. آنکه به آموزش و پرورش خویشتن پردازد بیشتر سزاوار تجلیل است تا آنکه به آموزش و پرورش دیگران می پردازد.

این سخن حکیمانه، نشانگر این است که برای صلاح مردم، صندق عمل لازم است، نه زبان گویا و نه قلم شیوا، کودکان، از رفتار مربی، الهام میگیرند نه از گفتار او. بسیار منافقانه است اگر کسی نصیحت کند ولی عمل نکند. امام سجاد (ع) فرمود:

المنافق ینهی ولا ینتهی ویأمر بما لایأتی (مأخذ فوق) منافق کسی است که به آنچه دیگران را امر و نهی میکند، پایبند نباشد. برای اینکه دایره بهره گیری و استفاده

## طفل را باید ارشاد کنیم که در برابر مقررات طبیعی و مملکتی و اخلاقی و دینی طغیان نکند...

کرده وهم نشان داده است که هیچکس حق اجبار و اکراه مادران را ندارد.

از نظر اسلام، نقش خانواده، بسیار مهم است. علی (ع) در فرمان مالک اشتر، توصیه می کند که وی اطرافیان و مسئولان پست های مهم مملکتی را از خانواده های خوب انتخاب کند، مخصوصاً برای بالا بردن اهمیت تکلیف سرپرستهای خانواده ها روی «بیوتات صالحه» تکیه می نماید.

در یکجای دیگر نهج البلاغه، میان خانواده بنی هاشم و خانواده بنی امیه مقایسه می کند و نشان میدهد که به همان اندازه که در خانواده بنی هاشم، چهره های درخشان و با عظمت وجود دارد، در خانواده بنی امیه، چهره های منفور و ناپاب دیده میشود.

اینها تصادفی نیست. الکسیس کارل فرانسوی هم آماری میدهد از یک خانواده ای که اکثر افراد آن جانی و منحل و معتاد و مدیره فاحشه خانه ... هستند.

### تعدیل تمایلات

هر بشری میخواهد در ارضاء تمایلات خود آزاد باشد، کودکان بیشتر طالب این آزادی هستند، وظیفه مربی است که به او بفهماند که آزادی انسان حدودی دارد. ما نمیتوانیم در شرایط عادی خود را از قید جاذبه زمین آزاد گردانیم. قوانین بهداشتی نمیگذارد هر چه خواستیم بخوریم. مقررات مملکتی ما را محدود می سازد، این حدود و قیود را باید بپذیریم، سعادت مادران است که حدود اخلاقی و مذهبی را هم قبول کنیم، طفل را باید ارشاد کنیم که در برابر مقررات طبیعی و مملکتی و اخلاقی و دینی طغیان نکند. هراسانی لطفاً بقیه را در صفحه ۶۲ مطالعه فرمائید

شماره مخصوص

- انسان - برنامه خاصی لازم است. حتی قبل از آنکه نطفه طفل منعقد شود و در آن زمانی که بصورت جنین، مراحل تکاملی خود را میگذراند، باید ب فکر او بود. وقتی از امام پنجم علیه السلام می پرسند که آیا شخص می تواند با زن زیباروی و دیوانه، ازدواج کند، یانه؟ می فرماید: لا، ولیکن ان کانت عنده امة مجنونه فلا بأس بان یطاهها و یطلب ولدها (وسائل الشیعه ج ۵ ص ۱۰)

نه، ولی اگر دارای همسر مجنون باشد، میتواند با او در آمیزد به شرطی که خواهان بارداری از او نباشد.

آنقدر دوره رحم از دیدگاه رهبران اسلام پراهمیت است که گاه فرموده اند، خوشبختی و بدبختی طفل از رحم مادر شروع می شود:

الشفی شقی فی بطن امة و السعید سعید فی بطن امة (بخارج ۳ ص ۴۴)

رحم مادر، برای طفل محیط بدبختی و محیط خوشبختی است، بدیهی است که مادر سالم و معتدل، رحمش محیط سعادت طفل و مادر ناسالم و غیر معتدل رحمش محیط بدبختی طفل است.

دوره شیرخوارگی نیز بسیار مهم است، شیرمادر، طبیعی ترین غذا برای نوزاد، غذایی است که خداوند برای خاطر او آفریده و چه بهتر که طفل از این حق طبیعی و موهبت الهی بهره مند گردد؟ قرآن، این مطلب را با بیانی بسیار لطیف گوشزد کرده میگوید:

الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین (بقره ۲۳۳) مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر میدهند.

قرآن با این عبارت، هم وظائف مادری را گوشزد

# نگرشی به تشکیلات اداری

آموزشی، تبلیغی، جامعه روحانیت  
پیشنهاد طرح‌های اساسی و

اصلاحی بر اساس تحولات انقلابی کشور...

تبادل فکری تشکیل داده و خود را برای اجرای دستورهای صادره از آن سندیکا حاضر و آماده ساخته است چون احساس می‌کند که بدون آن مرکز، منافع‌شان در معرض خطر و از بین رفتن می‌باشد.

نظم در بی نظمی یکی از زنده‌ترین چملاتی است که در سرتاسر عمر گوش انسان را آزار میدهد و عامل عقب ماندگی و قهقرا و سلب مسئولیت می‌گردد چون ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش.

## سازمان داخلی روحانیت:

یکی از مهمترین و محکم‌ترین اجتماعاتی که در جهان وجود دارد جامعه روحانیت و طبقه محترم پاسداران دین نگهبانان احکام مقدس اسلامی است استحکام و اهمیت آنان از آن نظر است چون در زندگی اتکاء و اعتمادشان تنها به خدا بوده و کار و فعالیتشان برای خدا و خشنودی خلق خدا است.

امروز در رأس حوزه‌های روحانیت و مراکز تعلیمات علوم اسلامی، مراجع عالیقدر و مجتهدین عالمیقام و اساتید دلسوزی قرار گرفته‌اند که از هر نظر واجد شرائط بوده و روحانیت را با فعالیت‌های فکری و معنوی خود رهبری و راهنمایی و اداره می‌کنند ولی نقص و عیبی که این جامعه همانند دیگر اجتماعات دارد اینست که از نظر تشکیلات داخلی بسیار

اکنون که با فضل الهی در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، اداری، و سیاسی کشور تحول و انقلابی بوقوع پیوسته است مردم مسلمان ایران حق دارند انتظار و توقع داشته باشند که تحولات اساسی و بنیادی نیز در سطح سازمان تشکیلاتی روحانیت همگام و هم سطح بادیدگر شئون اجتماعی و فرهنگی مناسب با شان انقلاب بوجود آید چون جهانی که مادر آن زندگی می‌کنیم، جهان نظم و انتظام و دنیای اسباب و علل است. دانه گیاهی که در بهار، سراز زمین بر میدارد، با طراوت و زیبایی خود، چشم تماشاچی و نظاره‌گر رابه خودخیره میکند باید با یک نظم مخصوص و ترتیب معین مراحل را طی کرد و مشکلاتی را پشت سرگذارد تا به آن مرحله از رشد و تکامل خود برسد هرگاه دانه آن سالم یا زمین آن مساعد نباشد، محال است رشد نموده و به مرحله کمال برسد.

قانون نظم و انتظام در تمام عوالم طبیعت و نظام اجتماعی، حکمفرما است، امروز جامعه بشریت مزایای قانون و فوائد عالی آنرا دریافته است و خود را با کمال میل و شوق و علاقه به دامن قانون افکنده است و میخواهد اعمال خود را منطبق با معیارهای آن بسازد، دانه تصمیم‌گیری مشترک به مجامع و اصناف و واحدهای صنفی نیز کشیده شده است بحدی که کوچکترین دسته‌های صنفی نیز با جمعیت محدود خود «سندیکا» و مرکز تجمع و اظهار رای و نظر و



ضعیف و ناتوان است و از نظر بودجه و اداره نیز ضعیف تر می باشد در عین حال درهای آن به روی عموم داوطلبان از هر صنف و هر طبقه و از هر نوع استعداد و شایستگی باز است. حوزه‌ی علمیه قم حدود ده هزار نفر محصل و دانشجو دارد که در نهایت صرفه جویی و بی‌الایشی زندگی می کنند و هدف از زندگی را بالاتر از مادیت میدانند اشکال اساسی که وجود دارد اینست که آغاز و حد نهائی تحصیلات آنان معلوم نیست و معین نشده است، در حوزه علمیه چه قدر باید درس خوانده شود مرحله آغاز آن کی است و هر فرد چند سال می تواند از مزایای آن استفاده کند و پس از چند سال باید از حوزه بیرون رفته مشغول تبلیغ و ترویج و پیاده کردن اندوخته های علمی خود گردد. روی این اصل عده زیادی از فارغ التحصیلان پیر مرد در مرکز تحصیل خود خانه خریده و صاحب تشکیلات و زندگی شده است و از آن حقوق ناچیز و بودجه مالی دانشجویان استفاده میکنند در صورتی که نه تدریس و نه تدریس دارند و نه مشغول یک خدمت کامل دینی هستند و نه پست تبلیغی.

سازمان خارجی ما:

تشکیلات تبلیغاتی حوزه روحانیت ما در این عصر تبلیغات و آگهی ها (که کوچکترین واحد اقتصادی بزرگترین و قوی ترین دستگاه

تبلیغاتی را به خود اختصاص) میدهد بسیار ضعیف و در برخی از نقاط منطبق با مقتضیات عصر نیست، چندین قصبه و دهستان بزرگ را یک نفر روضه خوان یا نوحه خوان اداره میکند در حالیکه گاهی اوقات فضلا و دانشمندان در امر تبلیغات متحیر و سرگردان هستند و گاهی در اثر همین تحیر و سرگردانی در ایام تبلیغی هم در خود قم متوطن میگردند و به جانی رهسپار نمیگردند، در حالی که اگر نظام صحیحی در کار باشد از این نیروهای لایق استفاده کامل خواهد شد و انتظارات مردم را بر طرف خواهد ساخت چون اماکنی هم وجود دارد که بدون عالم و رهنمای مذهبی بسر میبرند در صورتی که نهایت نیاز را به او دارند اینها تضادها و بی نظمی هائی است که در سازمان تبلیغی روحانیت به چشم میخورد..

اکنون که با فضل الهی انقلاب عظیم اسلامی ایران با رهبری روحانیت و پشتیبانی قاطع ملت به ثمر رسیده است و تحول و انقلاب شگرفی در تمام زمینه های اجتماعی فرهنگی سیاسی و اقتصادی بوجود آمده است مردم ایران حق دارند انتظار و توقع داشته باشند که واحد سازمان روحانیت نیز هم گام و هم سطح دیگر شئون اجتماعی متحول و منقلب گردد و خود را بار دیگر با تحولات اجتماعی همگام سازد. مردم مسلمان حق دارند از یک فرد روحانی

لطفا ورق بزنید



# خواستهای دانشجویان علوم اسلامی از حکمت جمهوری اسلامی

که از حوزه علمیه قم یا دیگر حوزه های علمی درخواست میکنند انتظار داشته باشند مراتب کارائی و لیاقت، و حدود تحصیل حتی لقب و عنوان کنترل شده او را دقیقاً بدانند و به آن معرفت و شناسائی پیدا کنند تا حدود و مرزها کاملاً مشخص و معین باشد اگر روزی در آن شرائط تاریک و فضای آلوده، شعار مرسومش این بوده است که نظم ما در بی نظمی» و این شعار سپر بلا گردان سیاست حاکم روز بود حقیقتاً اینچنین بود و خود این شعار نگهدارنده و مفید و ارزنده بود ولی امروز در این عصر تحول و انقلاب و در این برهه از موقعیت حساس سازندگی و سازمان دهی، دیگر آن تز و آن شعار هرگز نمیتواند مورد قبول ملت و مردم دردمند باشد.

اگر آن روز به حق و واقع، روحانیت بر دو قسمت تقسیم میگردد، روحانی حقیقی و واقعی و روحانی قشری و روحانی نما، روحانیت حقیقی به ملت وابسته بود و از عواطف و احساس و ایمان و دلهای مردم بهره میگرفت و روحانی نما تابع دولت زور گو و نمایشگر خواسته ها و تمایلات او.

روحانیت حقیقی الهام از خدا میگرفت و از تعالیم و رهنمودهای راستین انبیاء و پیشوایان معصوم (ع)

و روحانیت ظاهری چشم به دهان مردم بسته بود و به تمایلات و خواسته های آنان نه خدا و پیامبر و اولیای پاک دین

روحانیت حقیقی در رزم و پیکار و جهاد دائمی به سر میرد و روحانیت ظاهری در بزم و آسایش و پشت معرکه.

و دستهایی در کار بود که میخواست روحانیت واقعی را در برابر مردم بد نام سازد و ضمانت اجرایی هم وجود نداشت که طرحهای

اصلاحی را به مرحله اجراء در آورد امروز دیگر چنین بهانه ای هرگز وجود ندارد، تبانی و دستهای مرموز موجود نیست و اگر هم باشد نمیتواند با وجود آگاهی و هوشیاری که مردم پیدا کرده اند اظهار وجود کند و نباید هم فرصت و زمینه چنین فعالیت به آنها داده شود چون شرائط کونی و این فرصت طلانی، نخستین بار در تاریخ مبارزات اسلامی بدست آمده است در این باره، نخست بعنوان خواسته های مردم و دیگر بار از سوی دانشجویان علوم اسلامی مطالبی به پیشگاه مقدس زعیم عالمقام و رهبری عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران و دیگر مراجع عالیقدر تشیع و اساتید متعدد و دلسوز حوزه های علمیه قم و نجف و دیگر حوزه های اسلامی میرساند و انتظار میرود که مورد توجه و مطالعه و دقت و بررسی قرار گیرد و طبق مفاد حدیث شریف آنجا که میفرماید:

«حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا» به حساب خویشتن برسید پیش از آنکه دیگران این حسابرسی را آغاز نمایند بهتر آنست خود آقایان و فضلا و دانشمندان در این باره اظهار نظر کنند و طرحهای عملی و زنده ای ارائه دهند تا به تدریج، نظرات آنان در مکتب اسلام که ارگان و زبان حوزه علمیه قم بشمار میآید منعکس و مورد استفاده واقع گردد.

خواسته های مردم:

۱ - مردم مسلمان ایران میخواهند یک فرد روحانی که پناهگاه روحی و ملجأ حل گرفتاریها و مشکلات آنان قرار میگیرد یک فرد تحصیل کرده، با ایمان، با اخلاص باشد و مراکز تعلیم و تربیت این ویژگیها را تضمین کنند و به اصطلاح مسئولیت نارسائیها و نقائص روحی و علمی فارغ التحصیلان خود را خود حوزه علمیه بعهده بگیرد و به تعبیر دیگر روحانیان بی عیب و



نقصی صادر کند نه آنکه خود مردم شناسانی و ارزیابی کنند تا از این رهگنر مردم را دچار اضطراب و نگرانی در گزینش روحانی ننماید.

۲ - مردم انتظار دارند از سوی حوزه علمیه مرکزی، همانند دیگر مراکز علمی بوجود بیاید که حدود معلومات پایه تحصیلات عنوان لقب فارغ التحصیلان را بصورت روشن و واضح تعیین کند و به فارغ التحصیل خود اعطاء کند تا هر کس به دلخواه خود، یکی را آیه... و دیگر بار حجة الاسلام نخواند بر عکس به آیه الله، ثقة الاسلام و حجة الاسلام نگوید و این عناوین روی ضوابط خاص عرفی و شرعی بلکه قانونی باشد به حدی که مرتکب خلاف، تحت پیگرد قانون قرار گیرد همانند مراتب ارتش و مقامات انتظامی چون فرقی میان آن دو وجود ندارد یکی سپاه علم و ایمان و مذهب و آن دیگری سپاه دین و مملکت و مرز میباشند.

۳ - مردم میخواهند حدود و وظائف خود را از نظر کمکهای مالی و تأمین امکانات رفاهی یک عالم روحانی یا یک امام جماعت یا ذاکر مصائب حسینی، بدانند که چه وظیفه ای به عهده دارند و چگونه میتوانند در برابر تلاشها و کوششهای الهی روحانیت از زیر بار مسئولیت اخلاقی و شرعی خود بیرون آیند این سه خواسته از میان دهها خواسته و انتظارات مردم خلاصه گردیده است.

خواسته های دانشجویان علوم اسلامی:

دانشجویان و طلاب علوم دینی که رهروان حقیقی علم و پیکار هستند و اغلب علم را برای نیل به کمالات انسانی و اصالت و ارزش واقعی خود علم، جستجو میکنند در آن ایام انتخاب سرنوشت و تعیین تکلیف آینده، مسائل زیر را با خود در میان مینهند و پاسخهای آنها جستجو میکنند و جدا میخواهند بدانند که متأسفانه اغلب

بی جواب میماند و آن سؤالات اینست:

۱ - چند سال باید درس بخوانیم و پس از تحصیل چه باید بکنیم؟

۲ - آیا همه رشته های علوم اسلامی را باید «فوق آزمائی» کنیم سپس خودمان تعیین رشته کنیم آیا بهتر نیست خود حوزه های علمی این مسئولیت را بپذیرد و هر دانشجویی را به سراغ رشته مورد علاقه خود بفرستد تا از استعدادهای بهره جویی کامل شود؟

۳ - آیا بهتر نیست که حدود امکانات زندگی و رفاهی یک دانشجو در سنین تحصیل و مراتب شایستگی او، تعیین گردد تا او همیشه خود را با هیولای مشکلات اقتصادی و زندگی روبرو نبیند.؟

۴ - آیا بهتر نیست سازمان مجهزی باشد که آنها را پس از فراغت از تحصیل به منطقه مأموریت مناسبی اعزام کند و آنان را جذب و جلب جامعه اسلامی سازد بی آنکه خود او چندین سال پس از آوارگی و در بدری و فوق آزمائی که معمولاً توأم با اتلاف وقت است جذب یک محیط غیر ایده آل یا مخالف با ذوق و سلیقه خود باشد، سازمان اجرایی در کار باشد که مأموریت دهد و پی آمدهای این مأموریت را تضمین و تقبل نماید.؟



اینها گوشه های ناچیزی از صدها خواسته های دانشجویان علوم اسلامی بود که به صورت مختصر درج گردید و هر کدام از این خواسته ها شرح و تفصیل بیشتری دارد که علاقمندان اصلاح میتوانند به تضمین آن اقدام و چاره جویی آنها را خواستار گردند و اگر نظر تکمیلی و اصلاحی دارند ابراز دارند تا از برخورد اندیشه ها به نتیجه مطلوبی رسیده شود به امید آروز.



# اسلام در کشور غنا

## فعالیت‌های تبلیغی دامنه‌دار

### مسیحیان در این کشور

\* نقش استعمار و مسیحیت

میل مربع یعنی ۵۳۷ کیلومتر آن در ساحل اقیانوس اطلس قرار گرفته است.

قبلا نام این کشور، «ساحل طلا»، و این نام به مناسبت شهرت این کشور به داشتن معادن طلا بود که در نواحی شمال غربی قرار داشت و استخراج می شد.

آغاز استقلال

غنا نخستین کشور از کشورهای غرب قاره آفریقا و بلکه از مجموع کشورهای قاره سیاه بود که به استقلال رسید یعنی در تاریخ ۶ مارس سال ۱۹۵۷ م به استقلال نایل شد و پس از آن به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

این کشور، هنگام استقلال، نام خود را تغییر داد و نام کنونی (غنا) را انتخاب کرد. نام اخیر، یادآور نام نخستین امپراتوری است که در غرب آفریقا به وجود آمده و از قرن چهارم تا سیزدهم میلادی در منطقه میانه کشور کنونی «نیجر» حکومت کرده است.

تعداد جمعیت

وضع اسلام و مسلمانان در کشور آفریقایی «غنا» با وضع سایر کشورهای مسلمان نشین آفریقایی، نظیر نیجریه، سنگال و... فرق دارد زیرا در این کشورها تعداد زیادی از مسلمانان زندگی می کنند و به تعبیر صحیح تر باید گفت کشور اسلامی هستند، اما در کشور غنا مسلمانان تعداد اندکی از کل جمعیت را تشکیل می دهند، به همین جهت نتوانسته اند در حوادث جاری کشور موثر باشند و نیز در موضع گیری های سیاسی کشور خود نقشی به عهده ندارند.

کشورهای همسایه

غنا یکی از کشورهای غرب آفریقا است که از طرف شرق با کشور «توگو» از غرب با «ساحل عاج» از شمال و غرب با «ولتای علیا» و از جنوب با «خلیج گینه» (کناره اقیانوس اطلس) هم مرز است.

مساحت این کشور در حدود ۹۲۸۴۳ میل مربع یعنی ۲۳۵۳۹ کیلومتر مربع است که ۳۳۴



# اخبار جهان اسلام

ترجمه و تلخیص از مجله التضامن الاسلامی

## اسلام چگونه در این کشور نفوذ و گسترش یافت؟

بزرگ الماس در جهان بشمار می رود و دومین دولت آفریقائی است که منگنیز تولید می کند. اکنون غنا شاهد پیشرفت و ترقی است و کوشش می کند که بعضی از صنایع جدید را وارد کشور کند. درآمد سرانه این کشور بالاترین رقم درآمد را در قاره آفریقا تشکیل می دهد.

نفوذ اسلام

اطلاعات تاریخی دقیقی از حکومت‌های اسلامی که احتمالا در این بخش از آفریقا به وجود آمده، و یا گسترش اسلام در میان قبایل بت پرستی که اکنون ساکن این کشورند، در دست نیست ولی آنچه مسلم است این است که اسلام به این مناطق و به ویژه به بخش‌های شمالی این کشور نفوذ کرده و منطقه غرب آفریقا شاهد نفوذ و گسترش نیرومند اسلام در این منطقه بوده است.

نمی توانیم بطور یقین بگوئیم که اسلام در قرن اول هجری به این کشور نفوذ کرده است ولی شک نیست که سقوط امپراطوری بت پرست غنا در برابر گسترش اسلام که مرزداران این کشور به ریاست «عبدالله بن یاسین» آنرا رهبری می کردند، و همچنین جنبش «ابوبکر لمتونی» در جنوب، به نفوذ اسلام در مناطق شمالی غنا کمک نموده است، از این رو می توان گفت که اسلام لطفا ورق بزیند

تعداد کل جمعیت غنا در حدود ۹ میلیون نفر یا کمی بیشتر است و تعداد مسلمانان، سه میلیون نفر یعنی ۳۰٪ کل جمعیت می باشد، در غنا قبایل متعددی زندگی می کنند که بعضی از دانشمندان نژاد شناس، تعداد آنها را تا صد قبیله تخمین می زنند که اکثر آنها از نژاد سیاه پوست هستند.

در این کشور زبانهای مختلفی رایج است ولی زبان رسمی آن زبان انگلیسی است.

پایتخت این کشور، شهر «اکرا» است که در کناره خلیج گینه واقع شده و جمعیت آن ۹۰۰/۰۰۰ نفر تخمین زده می شود.

وضع اقتصادی

غنا از ثروتمندترین کشورهای غرب آفریقا بشمار می رود و اقتصاد آن متکی به کشت مواد غذایی است، مثلا مزارع کاکائو ۶۷٪ کل زمین های زراعی را فرا گرفته و این محصول، ۶۰٪ صادرات کشور را تشکیل می دهد. محصولات کشاورزی دیگری نیز مانند قهوه، موز، زیتون، کائوچو، تنباکو، آناناس، باقلای سودانی، نیشکر و پنبه و امثال اینها وجود دارد ۷۰٪ سکنه غنا به کشاورزی اشتغال دارند.

پس از کاکائو، دومین رقم بزرگ صادراتی آن را چوب تشکیل می دهد و دامداری در منطقه شمال به چشم می خورد، غنا کشتی های بزرگ ماهیگیری دارد. این کشور دومین تولید کننده

# سقوط امپراتوری بت پرست در غناباکمک و حمایت اسلام بوقوع پیوست...

اشتغال دارند. بدین ترتیب بود که اسلام راه خود را بروشنی باز کرد و این مناطق تحت تاثیر تمدن شکوفان اسلامی قرار گرفت و این قبایل اسلامی با سایر قبایل اسلامی - که در شمال غنادر مالی و نیجر سکونت داشتند - در پیشرفت و گسترش رسالت جاودانی اسلام در میان قبایل بت پرست مشارکت نمودند و با قبایل «اشانشی» و «اکن» به خاطر اسلام، درگیری های طولانی تا خلیج گینه پیدا کردند و بدین ترتیب اسلام به بلندی های اطراف نهرولتا رسید و در آنجا جمعیت های اسلامی نیرومندی به وجود آمدند.

استعمار اروپایی  
پرتقال نخستین دولت اروپایی بود که جنبش استعماری و عملیات اکتشاف جغرافیایی را به منظور نبرد با اسلام و مسلمانان، و نابودی نیروی اقتصادی و دینی آنان، آغاز کرد. پرتقال می خواست قاره آفریقا را دور زده به هندوستان برسد. پرتقال به خلیج گینه در کناره اقیانوس اطلس رسید و توانست از سال ۱۴۷۱م در ساحل غنا، کشور مستعمره ای برای خود به وجود آورد. چنانکه قبلا اشاره کردیم، این مناطق به واسطه داشتن معادن فراوان طلا، بنام «ساحل طلا» معروف بود و تا سال ۱۹۵۷م به همین نام نامیده می شد.

در جریان کشمکش دولت های اروپایی به خاطر تسلط بر قاره آفریقا، کشور «ساحل طلا» از

از قرن پنجم هجری وارد این کشور شده و در نتیجه، توده های مسلمان در این مناطق، بویژه در اطراف نهر «ولتا» که قبایل عربی و بربر آن به سوی اسلام رو آورده اند، به وجود آمده اند. رفت و آمدها و مبادلات بازرگانی، به ویژه بازرگانی طلا که از قدیم، جزایر شمالی غنا بواسطه آن شهرت داشت، به گسترش اسلام در میان قبایل بت پرست کمک کرد و آنان با مشاهده بزرگمشی اسلام و حسن معامله بازرگانان مسلمان، به اسلام گرویدند.

همچنین جنگ های هلالی که طی آن قبایل عربی بنام «بنی هلال» با تونس و مغرب اقصی جنگیدند، در واداشتن قبایل بربری و عربی برای حرکت به سوی جنوب موثر واقع شد و این قبایل از نهرسنگال و نیجر گذشته به سوی جنوب یعنی کشور کنونی غنا رهسپار شدند.

علاوه بر اینها، پیدایش امپراتوری های مالی و سنگال و تکرور، در گسترش اسلام در این مناطق، اثر نیرومند و فعالی داشته است. افزایش نفوذ اسلام

آنچه مسلم است این است که جهاد اسلامی که به رهبری «عثمان دن فودیو» در اوایل قرن نوزدهم میلادی (۱۸۶۰م) در منطقه شمال نیجریه رخ داد، نقش بزرگی در افزایش نفوذ و گسترش اسلام در میان قبایل شمال غنا، به ویژه در میان قبایل «ولتا» داشت که به دامپروری

## نکته ها ...

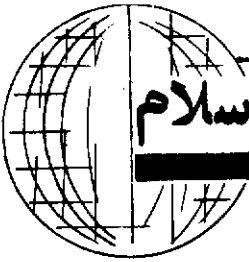
چرا آفرید و چرا از میان برده؟

معترضان به نظام آفرینش، پیوسته می گویند: هدف از آفرینش انسان های سروپا تازنین چیست که

پس از آفرینش باز دیگر آن ها را نابود می کند و به دل خاک می فرستد؟!

گویند، یکی از این معترضان اعتراض خود را ضمن دو بیت به افضل الدین کاشانی معروف به (بابا افضل) فرستاد و چنین نوشت

اجزای پپاله ای که درهم پیوست  
بشکستن آن روا نمی دارد مست



## اخبار جهان اسلام

سال ۱۸۷۴م تحت نفوذ استعماری بریتانیا قرار گرفت و این استعمار تا سال ۱۹۵۷م ادامه یافت و در تاریخ ۶ مارس این سال، استقلال یافت. مسیحیت و استعمار

نقطه‌ای نمانده است که نفوذ مسیحیت به آنجا نرسیده باشد، و همه اینها با کمک های استعماری بریتانیا صورت گرفته است.

کشیشان و مبلغان مسیحیت، برای رسیدن به هدف های خود، از راهها و وسایل مختلف استفاده نموده اند، مثلا کمک های نقدی و مالی به خانواده های فقیر، پرداخته، مدارس فنی و آموزشی، بیمارستان ها، پناهگاهها، درمانگاهها، دارالایتام ها، و مراکز معلولین تاسیس نموده و از این راه توانسته اند در این مناطق، به پیروزی های درخشانی نایل گردند.

بدون آنکه خود را گول بزیم، با صراحت می توانیم بگوئیم که اگر مسیحیت، چنین پیروزی بزرگی در این کشور به دست آورده، در اثر کوشش و تبلیغ پرخرج و پی گیر بوده است، مسیحیت که توانسته است قبایل بت پرستی را که قبلا نام انجیل را نشنیده و کلیسا را ندیده بودند، به سوی این آئین جذب کند، اکنون با استفاده از تمام وسایل و راهها، کوشش می کند که در بسیاری از کشورهای قاره افریقا، پیروزی های بیشتری به دست آورد، به همین دلیل، می توان گفت که غنا، هم از نظر رهبری، و هم از نظر ملت، یک کشور مسیحی است!

مسیحیت و استعمار هر دو با هم توأم هستند و هرگز از یکدیگر جدا نمی گردند و در تمام کشورهای آنی که تحت سیطره استعماری قرار گرفته اند، هر کدام، دیگری را یاری داده راه را برای دیگری هموار می کند. گاهی مکتشفان جغرافیائی و مبلغان مسیحی، راه را برای استعمار نظامی هموار کرده اند و گاهی استعمار از گروههای تبشیری و تبلیغی مسیحیت، برای تامین هدف های خود در این مستعمرات، حمایت و پشتیبانی کرده است.

اگر نگاهی به تاریخچه مسیحیت و فعالیت مبلغان مسیحی در «غنا» بیفکنیم، خواهیم دید که فعالیت ها و کوشش های تبلیغی مسیحیت در این مناطق، پیروزی بزرگی به دست آورده که به استثنای «لیبریا» در هیچ یک از کشورهای غرب قاره افریقا نتوانسته نظیر آن را به دست آورده به طوری که مسیحیان غنا ۶۳٪ کل جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. به همین جهت، کلیساها، معابد و مراکز دینی مسیحیت، در نقاط مختلف این کشور اعم از روستاها و شهرهای بزرگ، گسترش یافته و این فعالیت های مسیحیت، حتی به دل جنگل ها نیز رسیده و

چندین سرو پای نازنین و سرودست

از بهر چه ساخت وزیر برای چه شکست؟

بابا افضل در پاسخ آن گفت:

تا گوهر جان در صدف تن پیوست

از آب حیات صورت مردم بست

گوهر چو تمام شد صدف را بشکست

پرطرف کله گوشه جانان بنشست

یعنی تن بسان صدف است، و مرگ انسان بسان شکستن صدف می باشد که گوهر از آن آزاد گردد، و روح انسان در بارگاه الهی فرود آید، و به کمال مطلوب خود برسد.



# نقشه‌های شوم صلیبی در کشور

## مصر

۱ - قانون ازدواج و طلاق که طی آن بقیه قانون اسلام نیز از بین می‌رود و قانون خانواده‌ای شبیه قانون ازدواج و طلاق مسیحیان تصویب می‌شود، در صورتی که این قانون هیچ ربطی به مسیحیان ندارد.

۲ - قانون اعلام برقراری حقوق انسانی در مصر که منظور از آن، اعطای پستهای فرماندهی در ارتش و پلیس و سازمان امنیت به مسیحیان است، بدون آنکه امنیت ملت مسلمان مصر در نظر گرفته شود. این قانون نیز درهای نفوذ مسیحیان را از داخل و خارج در کشور مسلمان مصر باز میکند زیرا در این قانون تصریح شده است که به اصطلاح «عقیده آزاد است» و این، به معنای تجویز ارتداد و انکار اسلام بدون برخورد با هیچ مانع شرعی، قانونی، عرفی و سیاسی است.

۳ - آئین نامه تشکیل مجلس به اصطلاح شورا که در آن مسیحیان نیز نماینده خواهند داشت و - ریاست آن با «اسقف شونده» خواهد بود بدتر آنکه چنین مجلسی با چنین ترکیبی صلاحیت رد یا قبول قوانینی را که مجلس ملی تصویب میکند، خواهد داشت؛ نباید فراموش کنیم که آقای «شونده»، اسقف کلیسای اسکندریه و سایر کلیساهای آفریقا است که عینا مانند یک فقیه اسلامی در راس مجلس شورا قرار خواهد گرفت! و این، عمق فاجعه را نشان میدهد.

در اینجا خوبست پرده از چهره حقیقی دوتن از شخصیهائی که از مهره‌های دستگاه حکومت مصرند، برداریم:

۱ - «پطرس غالی» وزیر امور خارجه کنونی. او پسر «پطرس پاشا غالی» است که شماره مخصوص

دستهای خیانتکار صلیبی، امروز در پوشش حزبی در مصر، فعالیت میکنند و نهادهای ملی و اسلامی را از درون متلاشی می‌سازند، در این مقاله که پرده از روی فعالیت‌های خطرناک صلیبی در مصر برمیدارد، از آنچه در کتاب «احزاب مصر پیش از انقلاب ۱۹۵۲» پیرامون حزب سیاسی مسیحی بنام «حزب مصری» آمده، استفاده شده است. مؤلف این کتاب یک نفر مسیحی بنام «یونان لیب رزق» است و کتاب، از طرف «مرکز استراتژیکی سیاسی و استراتژیکی» که وابسته به روزنامه «الاهرام»

## نقش مسیحیان در تنظیم قانون غیر اسلامی در باره خانواده

است، منتشر شده است: رئیس این مرکز آقای «پطرس پطرس غالی» مسیحی و وزیر امور خارجه کنونی مصر میباشد، بنابراین، مطالب این کتاب، سند معتبری درباره مسیحیان مصر بشمار می‌رود زیرا نوشته یک مسیحی است.

البته این نقشه صلیبی برضد مردم مسلمان کشور مصر که طراح آن «اخوخ فانوس» مسیحی میباشد، اکنون توسط جانشین او یعنی اسقف «شونده» که فرد حیل‌گری است، از طریق دستگاه‌های دولتی و به ویژه از طریق حزب، و مجلس شورا (که قرار است تشکیل گردد) اعمال میشود.

### قوانین غیر اسلامی

باید اضافه کنیم که ضمن نقشه‌های سابق، نخستین برنامه‌ای که به مجلس ملی جدید عرضه خواهد شد، به قرار زیر است:  
صفحه ۵۰ مکتب اسلام

ریاست دادگاهی را که کشتار معروف «دشوای» را به راه انداخت، به عهده داشت. او یکبار دیگر نیز به مصر خیانت کرد و پیمانی را با انگلستان امضا کرد که به موجب آن، انگلستان اجازه یافت امور «سودان» را مشترکاً با مصر، اداره کند.

۲ - «فکری مکرم عبید» نخست وزیر سابق مصر. او پسر مکرم عبید است که به گفته یک مسیحی تاریخدان، ابتدا حزب «وفد» را هماهنگ ساخت و سپس بواسطه یک سلسله اختلافات شخصی، حزب «کله» را تاسیس کرد و با حزب خود با باقی احزاب در فاسد کردن زندگی عمومی و سیاست مصر، همدست شد.

در این زمینه باید یادآوری کنیم که اتحاد ملی عبارت از این است که از گروهی که از اقلیت هم کمترند، بخواهیم که با توده مردم که از هراکثریتی بیشترند، متحد باشند، یعنی از ۶٪ کل جمعیت (مسیحیان مصر) بخواهیم که برضد ۹۴٪ جمعیت (مسلمانان مصر) خیانت و تحریک نکنند.

#### حزب مصری

در تاریخ ۲ سپتامبر سال ۱۹۰۸ «اخوخ فانوس» که یک وکیل دادگستری بود، اساسنامه سازمانی را که «حزب مصری» نامیده بود، منتشر ساخت. این حزب در درجه اول، سخنگوی اقلیت مسیحی مصر بود، چنانکه یکی از آنان گفته بود که شرایط ایجاد میکند حزبی تاسیس شود که نمایانگر افکار مسیحیان باشد. آنان از یک سو از گرایش اسلامی تند «حزب ملی» خود را کنار کشیدند به ویژه پس از وفات «مصطفی کامل» که «شیخ عبدالعزیز جادلین» به جای او به ریاست هیئت تحریریه مجله «اللوام» رسید و طی مقالات خود، حملات سختی به مسیحیان کرد. رهبر «حزب ملی» یعنی «محمد فرید» نیز عیناً همین کار را کرد و در همان ایام در یکی از اظهارات خود گفت: «مسلمانان مصر باید همواره با ترکیه همبستگی داشته باشند زیرا این کشور مقر خلافت اسلامی است و نباید تاریخ سیاسی این کشور در مصر و سایر کشورها، مانع این کار بشود»

و از سوی دیگر پس از آنکه احساس کردند صفحه ۱۱۱ مکتب اسلام

«حزب امت» به واسطه آنگه بیش از احزاب بزرگ دیگر، اکثریت افراد مصری را به خود جذب کرده است، از این حزب دوری جستند زیرا این حزب، در حمله «شیخ جادلین» به آنها، در کنارشان نایستاده بود. نشریه «جریده» نیز از چاپ بعضی از پاسخهای مسیحیان در برابر این حملات خودداری کرد.

در این بین در نیمه دوم سال ۱۹۰۸ حملات ملی «شیخ جادلین» اوج گرفت به طوری که یکی از روزنامه‌های مسیحی یعنی روزنامه «مصر» در برابر این حملات، کاریکاتوری چاپ کرد که در آن «محمد فرید» و «لطفی سید» را در یک سبد قرار داده و زیر آن نوشته بود:

«این دو، با ایجاد سرو صدا در مصر، برای رسیدن به حکومت، کشمکش می‌کنند!»

در این شرایط بود که مسیحیان در ماه اوت ۱۹۰۸ از عضویت «حزب ملی» استعفا کردند و

## کی و چگونه و چرا پست های فرماندهی ارتش مصر، به مسیحیان سپرده شده است؟

چنانکه گذشت، یک ماه بعد یعنی در سپتامبر همان سال «اخوخ فانوس» تاسیس «حزب مصری» را اعلام نمود.

موسسان این حزب تصور کردند که در برابر گرایش اسلامی «حزب ملی» باید از گرایش ناسیونالیستی افراطی ترویج کرد، از این رو در برنامه‌ای که زیر عنوان «هدف‌های حزب» منتشر کردند، نوشته شده بود که هدف‌های حزب، عبارت است از: استقلال مصر، سعادت و پیروزی مردم مصر، و اینکه هر فرد مصری اصیل و یا کسانی که تابعیت این کشور را پذیرفته‌اند، و نیز باید در شرایط پذیرش تابعیت، تسهیلاتی فراهم گردد. بدیهی است که این گرایش، یک گرایش «لاتینکی» (غیر مذهبی) بود که هدف از آن از بین بردن گرایش دینی «حزب ملی» بود.

در ماده سوم اساسنامه این حزب نوشته شده لطفاً ورق بزنید شماره مخصوص



## حزب مصری چه هدفهایی را در مصر تعقیب می‌کند؟

فوق العاده تحت تاثیر منطق نژاد پرستی این حزب بود.

این حزب در برنامه خود پیشنهاد کرد که دو مجلس تاسیس شود که اولی بنام «مجلس نمایندگان» باشد و انتخاب نمایندگان نه با رای آزاد، بلکه از طریق انتخاب نمایندگان نژادها و گروهها صورت بگیرد و هر نژاد و طایفه‌ای، نماینده جداگانه‌ای داشته باشد.

اما مجلس دوم بنام «اطاق قانونگذاری» باشد و نیمی از نمایندگان آن از بیگانگان و نیمی دیگر را عبریها تشکیل دهند و این مجلس، نسبت به مجلس اول، در حکم ناظر باشد.

بی‌شک این طرح حزب مصری دایر بر شرکت نمایندگان بیگانه در مجلس نمایندگان مصر، نشان می‌داد که این حزب از اشغال مصر توسط بیگانگان راضی است و این، سند گویایی است بر اینکه در پشت پرده فعالیت‌های بظاهر حزبی آن، چه نقشه‌های شومی نهفته شده بود؟ (۱)

۱ - این مقاله از مجله «المجتمع» شماره ۲۵۹ چاپ کویت ترجمه شده است.

بود که: «باید دین از سیاست به طور کامل جدا گردد! و عموم سکنه مصر از نظر حقوق عمومی، و عموم مردم مصر (اعم از مصریان یا کسانی که تابعیت این کشور را پذیرفته باشند) از نظر حقوق ملی یکسان باشند و هیچ گونه تبعیض و امتیازی بواسطه ملیت یا دین، در میان نباشد.» ویژگی دیگر «حزب مصری» این بود که در برابر اشغال مصر توسط انگلستان، موضع معتدلی داشت. در ماده پنجم اساسنامه حزب خواسته شده بود که: «مابین انگلستان و مصر موافقتنامه‌ای امضا شود که به حکم آن از یک سو آزادی تجارت انگلستان در مصر، و تسهیل دستیابی این کشور به هند، از طریق مصر (چه در حال صلح و چه در حال جنگ) تضمین گردد، و از دیگر سو، انگلستان از استقلال مصر پاسداری کند و در برابر حملات خارجی به مصر، از این کشور حمایت به عمل آورد. قانونگذاری به نفع بیگانه

همچنانکه هر حزب بزرگی در برابر مساله قانونگذاری، موضع ویژه‌ای دارد، حزب مصری نیز در این زمینه موضع خاصی برگزید که

### نکته‌ها ....

گفت: این کره جغرافیائی است که نقاط مختلف گیتی را نشان می‌دهد  
صدر اعظم گفت: حالا آمریکا کجای این نقشه است؟ بیچاره مرد که به عادت معاصرین خود انجام هر کاری را منوط به خواست و اجزّه بزرگترها می‌دانست، گفت:  
هر کجا که شما امر بفرمائید!

استبداد چه ها که نمی‌کند؟

در زمان استبداد کسی حق نداشت برخلاف روش معمول زمانه اظهار عقیده کند و به اصطلاح حرف روی حرف حکام بزند.

در زمان صدارت «میرزا آقاخان نوری» شخصی یک کره جغرافیائی یا خود به ایران آورد و به حضور صدر اعظم برد. میرزا آقاخان پرسید: این چیست؟ وی

# اسلام و حقوق طبیعی

## فلا سفه و حقوق دانان، حقوق انسان را بدو قسمت تقسیم کرده اند:

① حقوق موضوعه

② حقوق طبیعی

داود الهامی

حقوق فطری انجنان با سرشت انسان آمیخته است که هیچ عاملی نمی تواند آن را جدا، یا به دیگران منتقل سازد.

از مقدمه بالا می توان نتیجه گرفت که:

میزان و معیار عادلانه و یا ظالمانه بودن هر قانون بسته به این است که در آن چه مقدار به حقوق طبیعی توجه شده است.

فلاسفه و حقوق دانان چهار اصل را به عنوان اصول اساسی حقوق طبیعی نامیده اند و عقیده دارند در هر قانون که به این اصول بیشتر توجه شود از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود و این چهار اصل عبارتند از:

۱- حق حیات

۲- حق زیستن بصورت موجودی که دلاری

عقل و مشاعر است.

۳- حق آزادی

۴- حق تساوی

حق حیات

نخستین حق طبیعی انسان حق حیات است، اگر در جهان قانونی هم نباشد، باز هم این حق در جهان وجود دارد و هیچکس حق ندارد که این حق فطری و طبیعی را از کسی سلب کند و این حق خود منشاء حقوق دیگری هم هست که از آن جمله

لظنا وینق یزید

حقوق موضوعه، به حقوقی گفته می شود که عقل به خودی خود به آنها توجه پیدا نمی کند و یک سلسله قواعدی است که ریشه فطری در نهاد انسان ندارد و از طرف قانونگذار وضع، و به اشخاص تحمیل می شود و لذا این نوع حقوق، دائمی و پایدار نیست.

برعکس، حقوق طبیعی، مجموعه قواعدی است که عقل خود به خود بدون توجه به هرگونه قانون خارجی به آن حکم می کند به تعبیر دیگر، حقوق طبیعی یک سلسله اصولی است که عقل آنها را موافق طبیعت اجتماعی انسان میدانند و این دسته از قواعد، پیش از تسلط و نفوذ هر قانونی، بحکم فطرت و به مقتضای طبیعت بر زندگی مردم نافذ و مسلط می باشد. بنابر این، اصول، مطلوب فطرت و مربوط به گوهر سرشت انسان است و لذا در هر شریعت و قانونی که به این اصول توجه نشود یا ظالمانه است یا ناقص.

و هر شریعت و قانونی که این اصول را بیشتر مورد توجه و عنایت قرار دهد، قانون محکم و عادلانه است. پس منبع حقوق فطری، خود انسان است. عقل انسان نه تنها در همه حال به قواعد حقوق فطری حکم می کند، بلکه این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اوست.

دارد که انسانهای بی گناه دیگری را که با آن مقتول از نظر انسانی و بی گناهی برابرند، مورد حمله قرار دهد و بقتل برساند.

ثانیا - جامعه انسانی در حقیقت یک واحد پیش نیست و افراد آن همانند اعضای یک پیکرند، هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد، اثر آن کم و بیش در سایر اعضا آشکار می‌گردد زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و فقدان یک فرد، خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعه بزرگ انسانی است.

و نیز قرآن مجید در مقام تشدید و تأکید کیفر قتل، به مرتکب آن چهار نوع مجازات شدید اخروی (علاوه بر مسئله قصاص که مجازات دنیوی است) تعیین کرده است: «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه ولعنه واعدله عذابا عظیما» (۳)

و به این ترتیب از نظر مجازات اخروی حداکثر تشدید در مورد قتل عمدی شده است به طوری که در هیچ مورد از قرآن این چنین مجازات شدید بیان نگردیده است.

گذشته از آیات فراوانی که درباره بیان حرمت انسان وارد شده، در اخبار و احادیث نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و از آن جمله پیامبر در این باره تصریح کرده است که: «لزوال الدنیا ایسر علی الله من قتل المؤمن»

ناپود شدن همگی جهان پیش خدا از کشته شدن یک بی گناه سهلتر است. و نیز فرموده است که: «اول ما یقضی یوم القیامة الدماء» (۵)

نخستین موضوعی که در دادگاه رستاخیز مورد رسیدگی واقع می‌شود موضوع خونهاست» همچنین پیامبر در مقام تهدید از شرکت در قتل فرموده است:

«من اعان علی قتل ولو بشر کلمة جاء یوم القیامة و هو ایس من رحمة الله» (۶)

هر کسی که با گفتن نیم کلمه در کشتن مسلمانان همکاری کند در روز قیامت از رحمت خدا نومید خواهد شد.

اسلام از نظر ارزش فوق العاده‌ای که برای

حق دفاع از جان است و به موجب این حق هر کس قصد جان دیگری کند شخص مورد تجاوز حق دارد از جان خود دفاع کند و اگر شخص متجاوز در این گیرودار کشته شود، شخص مدافع که جز کشتن مهاجم متجاوز راه نجاتی نداشته است، هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت. و نیز از نتایج این اصل اینست که هیچکس حق ندارد که بهیچ دلیلی خودکشی کند و یا عضوی از اعضا خود را ناقص یا بکلی از کار بیندازد.

آری حقوق فطری جزء لاینجزای شخصیت بشر است، تاریخ آن تاریخ بشریت است. انسان و حقوق فطری انسان موضوع اصلی همه ادیان آسمانی بویژه اسلام است. اسلام در تنظیم احکام و مقررات، «انسان طبیعی» و «انسان فطری» را در نظر گرفته است و نیازمندیهای اصیل و حقوق فطری انسانی، محور و مدار قانونگذاری اسلام است. و لذا در خصوص «حق حیات» که نخستین حق طبیعی و فطری هر انسانی است، مشاهده می‌شود که دین اسلام برای آن بیش از هر قانون و آئین دیگر، اهمیت و ارزش قائل شده

است قرآن مجید قتل نفس را بدون مجوز قانونی از گناهان بزرگ شمرده و در این باره تصریح کرده است که: «لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (۱)

دست به خون بی گناهان نیالانید و نفوس را که خداوند محترم شمرده و ریختن خون آنها مجاز نیست به قتل نرسانند مگر اینکه طبق قانون الهی اجازه قتل آنها داده شده باشد.

همچنین، کشتن یک نفر را بدون مجوز قانونی برابر با کشتن همگی مردم دنیا معرفی نموده و در این باره فرموده است: «... من قتل نفسا بغير نفس اوفساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا» (۲): هر کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنانست که گوئی همه انسانها را کشته است. زیرا اولاً کسی که دست به خون انسان بی گناهی می‌آید در حقیقت چنین آمادگی را

«حق حیات» قائل است با کشتن نوزاد و سقط چنین شدت مبارزه کرده است. آری گاهی اتفاق می افتد که یا بر اثر فقر مالی و یا بر اثر جهالت و تعصبات بیجا، نوزاد توسط خود پدر یا مادر به قتل می رسد، البته این عمل از نظر اسلام عملی ناپسند و جرم بزرگی است. قرآن در این باره فرموده است: «ولاتقتلوا اولادکم خشية اطلاق نحن نرزقهم و ایاکم» (۷)

«فرزندان خود را از بیم فقر و گرسنگی نکشید ما، هم به آنها و هم پشما روزی میدهیم» ولی متأسفانه حتی امروزه سقط جنین در بعضی از قوانین غرب دارای مقررات خاصی است و به قول خودشان به منظور حفظ شرافت خود مادر یا خویشان انجام می گیرد، و مجازات سبکتری دارد.

اسلام ابتدای شخصیت حقوقی انسان را از ابتدای نمی شناسد نمی شناسد بلکه همگی مراتب و مراحل پیدایش انسان را از آن زمان که بصورت نطفه بوده تا آخرین مراحل کمال زیر نظر گرفته و در هر مرحله بدفاع و حمایت از او پرداخته است و برای نطفه آدمی از همان زمان که به رحم مادر وارد می شود تا آنگاه که بصورت «علقه» و «مضغه» درمی آید تا وقتی که مبدل به استخوان می شود و تا زمانی که استخوانها با گوشت پوشیده می شود در هر یک از این مراحل برای انسان ارزش قائل است و برای سقط کننده آن کیفر تعیین کرده است و برای سقط جنین که روح در آن حلول کرده دیه کامل مقرر داشته است. به این معنی همینکه جنین دارای روح شد ارزش یک انسان را دارد و اسلام از او به عنوان یک فرد انسان حمایت میکند و کشتن عمدی چنین طفلی را در رحم مادر، معادل جرم قتل نفس عادی میداند.

خودکشی: از جمله آثار و نتایج حرمت و اهمیتی که اسلام برای «حق حیات» قائل شده است اینست که «انتحار» را گناه بزرگی بشمار آورده و قرآن مجید از آن نهی کرده است: «خودکشی نکند زیرا خداوند نسبت پشما

مهربان است و هر آنکس که از سر تعدی و ستم دست به این گناه بیالاید او را در دوزخ جای خواهیم داد» (۸) رسول اکرم (ص) فرمود: شخص مؤمن ممکن است از راههای مختلف از دنیا برود اما هرگز انتحار نمی کند حتی اگر کسی قدرت دفاع و حفظ نفس خود را داشته باشد ولی بدشمن مهلت دهد و از خود دفاع نکند تا آنکه او را بکشد، چنین کسی قاتل خود محسوب می شود.

(۹) امام صادق (ع) فرمود: «من قتل نفسه متعمدا فهوفی نار جهنم خالداً فیها» (۱۰) هر کسیکه خود را بکشد، همیشه در آتش جاودانه خواهد بود. قوانین کیفری اسلام علاوه بر اینها برای تباه کردن و از کار انداختن هر یک از اعضاء به نسبت ارزش و اهمیت وظیفه ای که در نظام عمومی بدن، انجام میدهد، کیفری متناسب تعیین کرده است. مثلاً اگر کسی کاری کند که یکی از اعضای زوج بدن کسی مانند چشم، گوش، دست و پا از کار بیفتند باید نصف خونبهای کامل را بپردازد و اگر هر دوی آنها را از بین ببرد تمام دیه را باید بدهد و اگر کسی کاری کند که زبان کسی از کار بیفتد و یا شامه و هر عضو فردی از بین برود، مسئول پرداخت تمام دیه است.

اسلام دقت را در این مرحله بجانی رسانده که اگر کسی کاری کند که موجب ریزش موی سر کسی شود بطوریکه دیگر مو بیرون نیاید، معادل تمام خونبها را بایستی بپردازد.

(۱) سوره انعام آیه ۱۵۱

(۲) سوره مائده آیه ۳۲

(۳) سوره نساء آیه ۹۳ - ۱ - خلود در دوزخ

۲ - خداوند بر او غضب میکند ۳ - از رحمتش او را دور می سازد ۴ - عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است (واعده عذابا عظیما) (۴) و (۵) امالی شیخ طوسی (۶) وسایل الشیعه ج ۹/۱۹

(۷) سوره اسراء آیه ۳۱

(۸) سوره نساء آیه ۲۹ - ۹ - وسائل الشیعه ج

۱۴/۱۳/۱۹

(۱۰) همان مدرک ص ۱۳

# مبارزات شیعیان با حکومت‌های

# ستمگر

و قربانی داده‌اند و همیشه پرچم مبارزه با قدرت‌های جاکم را که بنام اسلام حکومت می‌کردند، بدوش می‌کشیدند و این مبارزات از مبانی ایدئولوژیکی تشیع تغذیه می‌کرد.

مثلا عنصر «عصمت»، «اختیار»، و «عدل» که جزء اصول اعتقادی شیعیان بود، آنان را در برابر هر حاکمی که وضع لو با این اصول منطبق نبود، به مخالفت و اعتراض وا می‌داشت.

شیعیان چون معتقد به امامت «امام معصوم» بودند، حکومت هر زمامدار غیر معصوم را به رسمیت نمی‌شناختند و آن را حکومت غیر شرعی و اطاعت از او را حرام می‌دانستند و در برابر حکومت‌های ستمگر، علم مخالفت و مبارزه را بر می‌افراشتند.

از طرف دیگر چون معتقد به اصل «اختیار» و آزادی انتخاب بودند و مفهوم اصل اختیار این بود که سرنوشت هر کس در دست خود اوست، طبعا زمامداران را نیز مثل هر فرد دیگر مسئول اعمال و رفتار خود می‌دانستند و آنان را در برابر هر عمل خلافی مورد استیضاح و انتقاد قرار می‌دادند.

شیعیان با مکتب جبرگیری که زمامداران را از اختیار و مسئولیت میرا دانسته آنان را «ظل الله» و اعمالشان را به عنوان «خواست خدا» و «اراده» الهی توجیه می‌کردند، سخت مبارزه می‌نمودند.

همچنین چون شیعیان به اصل «عدل» خدا اعتقاد داشتند و مفهوم این اصل این بود که محال است کوچکترین ظلمی از خدولند سر بزنند، در انعکاس این اصل در اجتماع، معتقد بودند که زمامدار اسلامی باید مظهر عدل خدا در جامعه باشد، از این رو همیشه طرفدار اجرای عدالت بودند و در برابر هرگونه اجحاف و ظلم، عکس‌العمل تندتی نشان می‌دادند و با فرقه‌هایی که منکر عدل خدا بوده و چنایتکار و عادل را یکسان می‌پنداشتند، سر سازش نداشتند.

اسلام از آغاز پیدایش، موضع ضد ستمگری و حمایت از توده‌های محروم داشت و در مبارزه با هر نوع استثمار و بهره‌کشی هیچگونه سازش از خود نشان نمی‌داد. اسلام که دنباله نهضت‌های پیامبران گذشته بود، پیوسته با ستمگران و طاغوت‌های زمان مبارزه نموده و در برابر، از مستضعفان و توده‌های ستم‌کشیده دفاع می‌کرد. به همین دلیل پیشگامان پذیرش اسلام، هرگز از میان طبقه ثروتمندان یا مالکان بزرگ و یا روسای قبایل، پرنخواست‌بلکه از میان بردگان و گمنامانی مانند «بلال» و «صهیب» و «عمار» پیا خواستند زیرا آنان اسلام را آئین رهائی بخش و انسانی یافته بودند که در آن، حاکمیت از آن خدا بود و ایستادگی در برابر خدایان زمین، وظیفه حتمی هر مسلمانی بشمار می‌رفت.

تشیع (که همان اسلام راستین بود) بواسطه ویژگی‌های عقیدتی، در این زمینه موضع سرسخت تری داشت. به همین جهت، شیعیان در طول تاریخ اسلام، بیش از پیروان سایر فرق و گروه‌های اسلامی، مبارزه کرده، فداکاری نموده

این عوامل باعث شده بود که شیعیان پیوسته با قدرت های حاکم مبارزه نموده همیشه مورد خشم و غضب زمامداران فاسد واقع شوند این گونه زمامداران برای توجیه اعمال ناروای خود شیعیان را تضعیف نموده از فرقه هائی که بر حسب نظریات اعتقادی خود آنان را تبرئه می نمودند ترویج و حمایت می کردند.



نقش مکتب در انقلاب اسلامی ایران در بحران انقلاب اسلامی ایران، نویسندگان، مفسران سیاسی، و خبرگزاریهای مختلف جهان پیرامون انقلاب ایران و ریشه ها و انگیزه های آن به بحث و بررسی می پرداختند ولی از میان آنان کمتر کسی بود که به عمق مذهبی و ریشه اصیل دینی انقلاب پی ببرد. تنها معدودی از آنان که از نزدیک در ایران و پاریس با رهبر بزرگ انقلاب و مردم مبارز ایران تماس گرفته بودند، به ریشه های انقلاب پی برده بودند.

یکی از دانشمندان بزرگ ایتالیا که زمره این گروه اندک بود، پس از دیداری از ایرلند طی مقاله ای نوشته بود:

«انقلاب ایران از عمق عقاید دینی مردم شیعه ایران سرچشمه می گیرد زیرا شیعیان به حکومت امامان معتقدند و عقیده دارند که امام دوازدهم، غایب است و هنگام ظهور، جهان را بر از عدل و داد خواهد کرد. بنابراین، شیعیان هر روز در انتظار حکومت بهتری بسر می برند و هر حکومتی که در جامعه آنان روی کار بیاید آن را با حکومت عدل علی و حکومت عدل و قسط امام دوازدهم مقایسه می کنند، اگر فاقد این خصیلت بود، مشروعیت خود را از دست می دهد و شیعیان زیر بار آن نمی روند»

برداشت این دانشمند، از واقعیت برخوردار است، و این نکته در بررسی انقلاب شکوهمند ایران، همیشه باید مورد توجه قرار گیرد.



سلسله بحثهایی که بخواست خدا در سال جدید مجله زیر عنوان بالا از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت، بررسی مبارزات شیعیان در تاریخ اسلام بازمامدارانی است که بنام اسلام حکومت کردند ولی اسلام را از بین بردند، مبارزاتی که از مکتب انقلابی تشیع سرچشمه می گرفت و از مبانی عقیدتی شیعیان تغذیه می نمود. این بحث ها، اقتباس و برداشتی از کتاب ارزنده «جهاد الشیعة» به قلم بانوی دانشمند «دکتر سمیره مختار الیثی» است. مؤلف کتاب که دارای درجه دکترا در رشته تاریخ، از دانشگاه «هین الشمس» مصر است، با صبر و بردباری و با بهره گیری از منابع مختلف علمی و تاریخی و دینی، مبارزات شیعیان را از قرن اول تا سال ۲۳۲ هجری مورد تحلیل و بررسی قرار داده و پهنوی از عهده این کار برآمده است.

لطف دیگر کتاب در این است که طی آن، یک نویسنده غیر شیعه، پیرامون مبارزات شیعیان تحقیق و مطالعه کرده است و طبعاً در اظهار نظرها و برداشتهای تاریخی وی به نفع شیعه احتمال هیچگونه تعصب نمی رود.

آقای «دکتر احمد شرباصی» استاد دانشگاه الازهر که چند سال پیش از ایران دیدن کرده است، ضمن مقدمه ای بر این کتاب می نویسد: «شیعیان از جمله گروههای اسلامی هستند که دارای نقش بزرگی در جامعه اسلامی می باشند. تشیع که با محبت خاندان پاک پیامبر آغاز گردید، پس از وفات پیامبر اسلام (ص) طی دوران های تاریخی خود، مسیر جداگانه ای در پیش گرفت، و این مسیر مشخص، رفته رفته وسیع تر و گسترده تر شد تا آنکه از بطن تشیع بزرگان، قهرمانان، رجال، متفکران، رهبران و مبلغان فراوانی برخاستند و شخصیت هائی پرورش یافتند که گاه با قلم و گاه با شمشیر از مکتب تشیع دفاع کردند.

لطفاً بقیه را در صفحه ۶۲ مطالعه فرمائید

# نمونه‌ای از توطئه استعمارگران در ممالک اسلامی

تلویزیون نیجریه، بخورد مردم مسلمان می‌دهند مثل اینکه اصولاً دولت غیراسلامی روی کار است و تبلیغات ضد دینی انجام میدهد.

رئیس اتحادیه دانشجویان مسلمان نیجریه، سپس به وقاحت بی‌حدی که حتی در بیمارستان‌ها اعمال می‌کند اشاره می‌کند. تا آنجا که در درب ورودی بیمارستان‌ها از زنان مسلمان می‌خواهند که اول روسری از سر خود بردارند و سپس داخل شوند!

برای مقابله با این نوع معامله وحشیانه و غیرانسانی مقامات نیجریه، جدا ایجاد می‌کند که یک مؤسسه هلال احمر اسلامی در نیجریه ایجاد گردد که زنان مسلمان ناچار نشوند به بیمارستان‌های کذاتی پناه ببرند.

از این جا به آسانی می‌توان گفت که خطوط اصلی توطئه استعمارگران در برابر ممالک اسلامی بلکه در جهان اسلام (برای غارت و چپاول منابع زیرزمینی و بالاتر نیروهای اصیل اسلامی) تدارک دیده شده چیست و برای آن شواهد زیادی از ایجا و آنجا می‌توان پیدا کرد.

حضارة الاسلام شماره ۲ سال بیستم

رئیس اتحاد دانش آموزان مسلمانان در نیجریه اظهار داشت که اکثر جوانان نیجریه مسلمان هستند و آنان در مدارس خودشان در جنوع مراحل تحصیلی با مشکل بزرگی مواجه هستند و آن مشکل اینکه رهبران (خانن) آن کشور آنان را وادار می‌کنند که با برنامه تحصیلی که امریکائیان و صهیونیست برای آنان تدارک دیده‌اند به تحصیل پردازند او ضمناً اضافه کرد که مسلمانان دو سوم تمام جمعیت ساکنین آن کشور را تشکیل می‌دهند و لکن مدارس موجود امکان تحصیل پیش از یک بیستم نیاز تحصیلی مسلمانان را ندارد!

مسلمانان از حکومت وقت جدا خواستارند که باغی به نام پارک اطفال به خاطر استراحت بچه‌های مسلمانان تأسیس کند و لکن هیئت حاکمه برای تأسیس آن شرایط پس سنگین و مشکلی تعیین کرده‌اند که در اینصورت ایجاد آن جز با مساعدت و هم یاری سایر مسلمانان جهان فراهم نمیشود. باز اضافه می‌کند که تمام مدارس اکنون تبدیل شده است به میدان‌های تبلیغی میسیونهای مسیحی که در خلال مجلات و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی و

## چرا استعمار از ایدئولوژی اسلامی بشدت میترسد؟

دولت خلق چین، امتیازات روحانیون مسلمان را الغاء نمود... دبیر اول حزب تاجیکستان در جلسه کمیته مرکزی این جمهوری اعلام خطر کرد و گفت: نفوذ روحانیت مسلمان در نسل جوان دارد تاثیرهای فراوان میگذارد و علمای دین موفق شده‌اند از برای تعلیم عقاید اسلامی، در «لنین آباد» «گرگان تیوب» و «کلخورآباد» و مدارسی تأسیس کنند و حتی در مسکو، خود معلمین در مجالس دینی شرکت می‌کنند، در مسجد «لنینگراد» در

تعمیلات دینی دوازده هزار نفر اجتماع می‌کنند «۳» مطبوعات شوروی می‌نویسند: بقایای دین، بنای جامعه کمونیست را متزلزل می‌سازد. کنفرانس ایدئولوژیکی «دوشنبه» به این نتیجه رسیده است که اسلام برای شوروی خطری است!... (۴) امروز در نقاط مختلف جهان، استعمار مستقیم یا غیر مستقیم با مسلمانان مبارزه می‌کند و معمولاً با ایجاد اختلاف در میان مسلمانان، گاهی از خود مسلمانان برای



# ترک وابستگی

از: اقبال لاهوری

دانی از افرنگ و از کار فرنگ  
تا کجا در قید زنا فرنگ  
زخم از او، نشتر از او، سوزن از او،  
ما و جوی خون و، امید رفو!!  
خود بدانی، پادشاهی، قاهری است  
قاهری در عصر ما، سوداگری است!  
تخته دکان، شریک تخت و تاج  
از تجارت نفع و از شاهی خراج  
آن جهانبانی، که هم سوداگر است  
برزبانش خیر، اندر دل شیراست  
گرتو می دانی حسایش را درست  
از هریرش نرم تر، کرباس توست.  
بی نیاز از کارگاه او گذر  
در زمستان پوستین او مخر  
کشتن بی حرب و ضرب آئین اوست  
مرگها در گردش ماشین اوست  
هوشمندی، از خم او می نخورد  
هر که خورد اندر همان میخانه مرد.  
آنچه از خاک تورست ای مرد هر  
آن فروش و آن بیوش و آن بخور  
قالی از ابریشم تو ساختند  
باز آنرا پیش تو انداختند.  
وای آن دریا که موجش کم تپید  
گوهر خود را ز غواصان خرید!!

خطوط چپ یا راست نجات بخشند و سایه  
استعمارگران را از سران بردارند.  
(۱) «لنینگراد عین نامه در شماره ۲ سال ۱۹  
مجله به چاپ رسیده است  
۲- اخیرا شنیده شده است که پس از پیروزی  
انقلاب اسلامی ایران اجازه چاپ قرآن داده شده  
است.  
۳- پروادای لنینگراد ۴- تاجیکستان کمونیست ۱۵  
ژوئیه ۱۹۶۳، در این زمینه: لطفا مقالات  
«استقامت اسلام در شوروی را که در شماره ۱  
سال ۱۹ مجله درج شده است مطالعه فرمائید.

سرکوبی آنان استفاده می کند، در خاور میانه با  
وجود آوردن حکومت مزدوری مانند اسرائیل و  
طرفداری از حکومتهای پوشالی، با ایدئولوژی  
اسلامی پیکار می کند، در فیلیپین، اریتره، و...  
همین وضع ادامه دارد. برمسلمانان جهان است که  
از خواب گران گذشته برخیزند و دامهای استعمار  
را بر سر راه خویش، از میان بردارند و به اهمیت  
این قدرت الهی «ایدئولوژی اسلامی» خود بیشتر  
توجه کنند و با وحدت و تشکل، جهان را اداره  
نمایند، و در این میان با آشنا کردن جوانان به  
معارف اصیل اسلامی، آنان را از سقوط در

## امروز و دیروز استعمار در شرق غرب

منعقد می ساختند، زنجیرهای وابستگی را سال به سال محکمتر می نمودند.

بأنها که دانشگاه را از مسجد و مسجد را از دانشگاه، جوانها را از بزرگسالان، و گروهها را از یکدیگر جدا ساخته بودند، و هر اجتماعی را که روزنه ای به سوی وحدت بود با قدرت اهریمنی شان از هم می پاشیدند... اینها عوامل و پادوهای استعمار بودند.

و چه خوب شد که از شرشان راحت شدیم! ولی بهوش باشید این اژدهای زخمی، نمرده، پیوسته رنگ عوض می کند بهوش باشید و نشانه های بالا را در دست بگیرید و هر کس و هر حادثه را با آن واریسی کنید، مبادا از دردیگر و با قیافه دیگر وارد شود

قرآن و استعمار

قرآن چه زیبا، استعمار را ترسیم نموده، واژه ای برای آن انتخاب کرده است که برخلاف واژه «استعمار» استعماری نیست، قبائی است

قطع نظر از نشانه های دیگر - به سهولت و راحتی می توانیم این شیطان هزار چهره را در تمام قیافه هایش بشناسیم و درست انگشت روی دستیاران و کارگردانهایش بگذاریم.

می توانیم بدانیم رهبری که در سخنانش مرتبا روی «قیام به تفکر» تکیه می کند و دائما برای نفی وابستگیهای می کوشد، و همیشه مردم را به وحدت کلمه دعوت می کند یک رهبر ضد استعماری است.

اما آنها که فرهنگ ما را به ابتذال کشیدند و از محتوا خالی کردند، مراکز بزرگ دانش ما را تبدیل به میدان مسابقه ای برای «اخذ مدرک» آنها مدرکی که فقط نشانه انباشتن یک مشت فورمول در مغز بود، کردند، هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی سازنده را برای دانشگاهیان با استفاده از حضور دانشی گاردهای مسلحشان تحریم کردند، آنها که هر روز قرارداد تازه ای که ما را به غارتگران جهانی وابسته تر می ساخت

## بررسی امکانات مادی و معنوی مسلمانان در برابر قدرت جهانخواران

خارجی را از اریکه قدرت بزیار بکشند و خویش را از بند اسارت آزاد نمایند و حادثه مکه در ایام محرم و پناه بردن هزاران نفر از مبارزین و مخالفین آل سعود بکعبه در ایام عاشورای حسینی امسال و تظاهرات ۵۰ هزار نفری مسلمانان عراق برضد حکومت بعثی ها بهترین نمونه آن است و این بیداری، موضوع در گردهمائی جنبش های آزادی بخش کشورهای جهان از نطق ها و سخنرانیها و بیانیه های آنان بچشم می خورد، که مایه امیدواری هر انسان رنج دیده می گردد.

کم کردن مصرف

را از دست دادیم و نیازمند شدیم؟ و در سایر ممالک اسلامی نیز مثل عربستان با اینکه قسمتهائی از قبیل طائف و نجد و غیر آن هوای مساعد برای تولید غله دارد ولکن سرسپردگان پیگانه و آل سعود، درست هرچه نقشه های خائنه دشمنان و جهان خواران برای غارت گری داشتند و دارند مو یمو اجرا کرده و می کنند تا ملت خود را کاملا مثل کویت و عراق و مصر وابسته به اجانب سازند.

اگر ملت های مظلوم و ناآگاه این ممالک بیدار شوند و پامکانات مادی خود پی ببرند چنانکه بعد از انقلاب اسلامی ایران سایر ملت های مسلمان نیز سرعت در این راه گام بر میدارند بزودی خواهند توانست این عمال سرسپرده

درست به قامت آن، و بیانگر همه محتوای آن در تمام اشکالش، با تمام ریزه کاریهایش آری «استضعاف» این کلمه پرمعنی و وسیع را که هرگونه «استحمار» و «اسثمار» و تضعیف فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به منظور بهره کشی از فریاد گروهی در بر می گیرد بجای آن گذاشته، و در همه جا انزای می گوید و «مستضعفان» را به قیام بر ضد «مستکبران» (خودبرتر بینان استعمارگر) دعوت می کند و وعده نصرت و پیروزی به آنها می دهد. فی المثل آنجا که آغاز سخن از فرعون است می گوید «او در روی زمین برتری جونی کرد» و مردم را به گروههایی تجزیه نمود، و میان آنها جدائی افکند. و جمعی را استضعاف کرد او از مفسدان بود

در این چند جمله کوتاه «انگیزه» استعمار یعنی برتری جونی، و برنامه آن، تفرقه افکنی، و عامل اجرای آن یعنی تضعیف همه نیروهای سازنده و خلاق، و نتیجه آن یعنی فساد و افساد،

بیان شده است.

سپس استعمار شدگان را با چند جمله فشرده و صریح و گویا به قیام دعوت می کند: ما اراده کرده ایم که بر مستضعفین در زمین منت گذاریم

و آنها را پیشوایان

و آنها را وارثان، سازیم... (آغاز سوره قصص) سخن به دراز کشید، و ما هنوز در آغاز گفتگو از استعمار و مخصوصا بعد قرآنی آن هستیم اما با یک جمله آنرا پایان می دهیم و باقی را به میعاد دیگری موکول می کنیم

قرآن هیچگاه «ضعیفان» را نستوده، هرگز به آنها وعده پیروزی نداده، بلکه به «مستضعفان» یعنی آنان که بالقوه نیرومندند هر چند تحت فشار دشمن موقتا به ضعف گرائیده اند، اما دائما در تلاشند، در حرکتند، در تکاپو، می جوشند، می خروشند، می غرند، فریاد می کنند، و آتی باز نمی ایستند، وعده داده است. آری اینها مستضعفند، و وعده پیروزی الهی مخصوص آنهاست.

یکی دیگر از راههای مقابله با تسلط خارجی، همان کم کردن از مصرف بی رویه مواد غذایی مثل گوشت و تخم مرغ و برنج و... و عدم استفاده از کالاهای خارجی است و باید شعار را این قرارداد که هر چه را که ما خود تولید نکردیم مصرف نکنیم و مصرف را منحصر در حد تولید داخلی خود بکنیم چنانکه کوبا در اوائل انقلاب همین شیوه را بکار برد و توانست تا حدودی، خود را از سلطه امریکا نجات دهد بطوریکه نقل شده است ملت کوبا ماشینهای ساخت خارج را بطور کلی تحریم نمودند و خیابان ها خلوت شد و تنها هم خود را در بالا بردن تولید مثل نیشکر و قهوه و... قرارداد و در این کار نیز تا حدودی موفق بود و بالاخره ملتھائی که می خواهند خود را از

زیر بار یوغ استعمار نجات دهند باید این امکانات را بخوبی بکار بگیرند مخصوصا باید اتحاد و هم آهنگی ممالک اسلامی و یک پارچگی آنان بمقتضای آیه مبارکه (واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا...) و کانهیم بنیان مرصوص) در مقابل ابر قدرتهای غارتگر ایجاد گردد و متاسفانه زعمای ممالک اسلامی نه تنها در این فکر نیستند بلکه هر روزی بر دامنه اختلافات خود بیھانه های جزئی می افزایند و خود را بیشتر وابسته باجانب می کنند.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۸۵  
مورخه ۵۸/۱۰/۲۵